



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

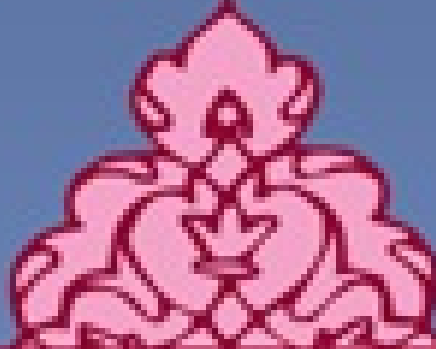
گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شهر
ساز
ه
ساز
ساز



ولایت در قرآن

نمونه فیش سخنرانی
ویژه ماه مبارک رمضان
دهه سوم

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد
خبرنامه ماه ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۵: ولایت در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان)

نویسنده:

گروه پژوهشهای کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	شهد سخن ۵: ولایت در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان)
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۲۴	۱- آداب دعا
۲۴	انگیزه سازی
۲۵	اقتناع اندیشه
۲۶	پرورش احساس
۲۸	رفتارسازی
۳۰	روضه
۳۴	۲- دعا
۳۴	انگیزه سازی
۳۵	اقتناع اندیشه
۳۷	پرورش احساس
۴۰	رفتارسازی
۴۱	روضه
۴۴	۳- ولایت امیرالمومنین علیه السلام و پاسخ به شبهات
۴۴	انگیزه سازی
۴۷	اقتناع اندیشه
۴۹	پرورش احساس
۵۰	رفتار سازی
۵۱	روضه
۵۴	۴- معرفت به امام (ویژگی ائمه علیهم السلام: علم)

۵۴	انگیزه سازی
۵۵	اقتناع اندیشه
۵۸	پرورش احساس
۶۰	رفتار سازی
۶۱	روضه
۶۴	۵-امام زمان و شب قدر
۶۴	انگیزه سازی
۶۵	اقتناع اندیشه
۶۷	تحریک احساس
۷۱	روضه
۷۴	۶-حب اهل بیت علیهم السلام، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان
۷۴	انگیزه سازی
۷۵	اقتناع اندیشه
۷۷	پرورش احساس
۷۹	رفتار سازی
۸۱	روضه
۸۴	۷-اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، شیعه و ویژگی ها
۸۴	انگیزه سازی
۸۶	اقتناع سازی
۸۷	پرورش احساس
۸۹	رفتار سازی
۹۱	روضه
۹۴	۸-دفاع از شیعه (۱. پاسخ به شبهات وهابیت-زیارت)
۹۴	انگیزه سازی
۹۵	اقتناع اندیشه
۹۹	پرورش احساس

- ۱۰۲ رفتار سازی
- ۱۰۲ روضه
- ۱۰۴ ۹-دفاع از شیعه (۲. پاسخ به شبهات وهابیت- توسل)
- ۱۰۴ انگیزه سازی
- ۱۰۵ اقتناع اندیشه
- ۱۰۸ پرورش احساس
- ۱۱۱ رفتار سازی
- ۱۱۲ روضه
- ۱۱۴ ۱۰-مقام شیعه در قیامت
- ۱۱۴ انگیزه سازی
- ۱۱۵ اقتناع اندیشه
- ۱۱۷ پرورش احساس
- ۱۲۰ رفتار سازی
- ۱۲۱ روضه
- ۱۲۴ ۱۱-شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان عج الله تعالی فرجه
- ۱۲۴ انگیزه سازی
- ۱۲۵ اقتناع اندیشه
- ۱۲۶ پرورش احساس
- ۱۲۹ رفتار سازی
- ۱۳۱ روضه
- ۱۳۴ ۱۲-رجعت و بازگش امامان و شیعیانشان و حکومت صالحان در زمین
- ۱۳۴ انگیزه سازی
- ۱۳۵ اقتناع اندیشه
- ۱۳۸ پرورش احساس
- ۱۴۰ رفتار سازی
- ۱۴۲ روضه

۱۴۴ ----- ۱۳-عید فطر و حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان

۱۴۴ ----- انگیزه سازی

۱۴۵ ----- اقلع اندیشه

۱۴۶ ----- پرورش احساس

۱۴۸ ----- رفتار سازی

۱۵۲ ----- فهرست تفصیلی

۱۵۴ ----- درباره مرکز

شهد سخن ۵: ولایت در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۵: ولایت در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص

زبان: فارسی

موضوع: امام زمان عج

موضوع: شیعه - قیامت

موضوع: اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

موضوع: صالحان - رجعت - عید فطر

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

شهد سخن ۵

ولایت در قرآن

ص: ۳

شهد سخن ۵

ولایت در قرآن

نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

ص: ۴

فہرست

۷	پیشکفتار
۹	مقدمہ مولف
۱۵	آداب دعا
۲۵	دعا
۳۵	ولایت امیرالمومنین <small>علیہ السلام</small> و پاسخ بہ شبہات
۴۵	معرفت بہ امام (ویژگی ائمہ <small>علیہم السلام</small> : عد۱)
۵۵	امام زمان <small>علیہ السلام</small> و شب قدر
۶۵	حب اہل بیت <small>علیہم السلام</small> ، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزند ان
۷۵	اطاعت از اہل بیت <small>علیہم السلام</small> ، شیعہ و ویژگے گھا
۸۵	دفاع از شیعہ (۱. پاسخ بہ شبہات و ہابیت- زیارت)
۹۵	دفاع از شیعہ (۲. پاسخ بہ شبہات و ہابیت- توسل)
۱۰۵	مقام شیعہ در قیامت
۱۱۵	شیعہ و آخر الزمان و ظہور امام زمان <small>علیہ السلام</small>
	رجعت و بازگشت امامان و شیعیان نشان و حکومت
۱۲۵	صالحان در زمین
۱۳۵	عید فطر و حفظ دستاورد ہائے ماہ مبارک رمضان
۱۴۳	فہرست تفصیلی

ماه مبارك رمضان «شهر الله» است و ماه نزول قرآن، «كلام الله» است و رهاورد رسالت حضرت محمد (صلى الله عليه و آله) «رسول الله». ماه عروج و شهادت امير مؤمنان على (عليه السلام) «ولى الله». ماه تبليغ معارف اهل بيت عليهم السلام است كه آل الله اند.

در اين ايام كه مصداق حقيقى «ايام الله» اند و بهار معارف قرآن و اهل بيت (عليه السلام)، مساجد كه «بيوت الله» اند، ميعدگاه جان هاى زنده و قلوب مستعدى هستند كه آماده پذيرش كلام وحى و مفسران حقيقى قرآنند.

آنچه در اين ايام و ليالى بيش از هر چيز مورد تقاضا و درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبي و دينى است، سلسله مباحث معنوى، اخلاقى و معرفتى است كه برگرفته از قرآن و روايات و سيره ي معصومان عليهم السلام باشد و در قالبى نو و با بيانى رسا و ارائه اى دلنشين عرضه گردد.

مرکز رسيدگى به امور مساجد در راستاى رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگى، تبليغى مجموعه اى از منشورات و مقالات

و کتاب های سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان و مناسبت های دیگر تهیه و تدارک دیده است. این جزوه حلقه ای از سلسله محصولات محتوایی است که مباحث گوناگون معرفتی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی را بر اساس روش های موجود منبر و خطابه- که از سلف صالح برایمان به یادگار مانده است- تألیف و فرآوری کرده است. از تلاش های محققین و فضلاء مؤسسه تخصصی خطابه امیربیا و همکاران محترم دفتر مطالعات و پژوهش های قم در تهیه و ارائه این مجموعه محتوایی قدردانی می شود.

نقدها و نظرات و پیشنهادهای سازنده شما بزرگواران راهنمای راه آینده ما خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمه الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی

ص: ۸

إِن هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»(۱)

قرآن کتاب هدایت است و سزاوار است به عنوان منبعی در استخراج روشهای هدایت مورد توجه مبلغان دینی قرار گیرد. با اندکی تأمل بر آمارهای قرآنی می توان به نتایج قابل توجهی پیرامون شیوه تربیت و هدایت در قرآن دست یافت. به نمونه ای از این آمارها که مبنای موضوعات فیش های این مجموعه قرار گرفته است، اشاره می کنیم:

وقتی به موضوعات مطرح شده در ۶۶۳۶ آیه قرآن توجه می کنیم، در می یابیم: بیش از دو هزار آیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم به معرفت اسماء و صفات خداوند متعال می پردازد؛

حدود دو هزار آیه به معاد و مواقف بعد از مرگ و نتایج اعمال در دنیای پس از مرگ می پردازد؛ و حدود دو هزار آیه به داستان های انبیاء و مسأله نبوت و ولایت مربوط است.

این در حالی است که تعداد آیات قرآنی پیرامون فروع دین؛ مانند حجاب ۴ آیه، غیبت ۱ آیه، نگاه حرام ۲ آیه، امر به معروف و

ص: ۹

نهی از منکر ۳۷ آیه است، حتی تعداد آیات مربوط به موضوعات مهمی مانند نماز و جهاد به ترتیب از ۹۸ و ۴۱ آیه تجاوز نمی‌کند. شاید بشود گفت؛ همه این موضوعات فرعی در مجموع تقریباً ۶۳۶ آیه را شامل می‌شود.

مقایسه تعداد آیات پیرامون خدا، قیامت و ولایت با بقیه موضوعات اخلاقی و احکامی نشان می‌دهد که برای شکل‌گیری رفتارهای دینی، باید ایمان به پایه‌های اعتقادی را در فرد مستحکم کرد. در عالم خارج هم این نظریه قابل اثبات است که هر جا فرد در انجام حکمی از احکام دین کوتاهی می‌کند به خاطر ضعف در یک یا چند پایه اعتقادی اوست؛ به عنوان مثال، اگر کسی خمس نمی‌دهد یا در کسب و کارش حلال و حرام را رعایت نمی‌کند، اعتقادش به رزاقیت الهی و عذاب سخت کسب حرام در قیامت ضعیف است، و گرنه هرگز مرتکب این رفتارها نمیشد، همچنان که اگر از متدینین اهل تقوی و رعایت احکام شرع پرسیده شود چه عاملی موجب تقید آنها به احکام و اخلاق دینی است، پاسخ آنها از چند حالت خارج نخواهد بود؛ یا به خاطر جلب رضایت الهی و علاقه به حضرت حق است، یا ترس از عقاب و امید به پاداش اخروی، و یا محبت به ولایت و اطاعت‌پذیری از حضرات اهل بیت ا. بنا بر این، اگر بخواهیم تغییری در رفتارهای مخاطبان خود ایجاد کنیم، لازم است ابتدا زیرساختهای اعتقادی آنها را استحکام ببخشیم و در ضمن تبیین زیربناهای اعتقادی، مفاهیم اخلاقی را برای آنها تبیین نموده تا تأثیرگذار باشد.

در کل فیش های سخنرانی این مجموعه که برای پذیرایی شما عزیزان از مهمانان ماه خدا تدارک دیده شده است، این مبنای قرآنی لحاظ شده است. در دهه اول ماه مبارک، صفات و اسماء الهی؛ دهه دوم، معاد و مواقف بعد از مرگ؛ و دهه سوم، مفاهیم مرتبط با ولایت اهل بیت ا مورد بحث قرار گرفته است و در هر جلسه یک پیام اخلاقی در ضمن موضوع فیش (در قسمت رفتار سازی) مورد توجه قرار داده شده است. موضوعات و پیام های ۳۴ جلسه به ترتیب ذیل می باشد:

*خداشناسی در قرآن

موضوعات / پیام ها

فرصت ماه میهمانی خدا / تقوا

آشنایی با میزبان / یاد خدا در همه کارها

رحمت واسعه / حکمت عدم استجابت دعا

غضب الهی / ایمن دانستن خود از عذاب الهی

قدرت الهی / توکل

رزاقیت الهی / مال حرام

علم الهی / در محضر خدا معصیت نکنید

غفار الذنوب / بخشش دیگران

ربوبیت، مالکیت، خالقیت / فلسفه احکام

خدا شناسی حضرت خدیجه علیها السلام / انفاق برای یاری دین خدا

موضوعات / پیام ها
مرگ / وصیت کردن
قبر / بد اخلاقی با خانواده
برزخ / امانت داری
محشر و قیامت / صبر در مشکلات
شفاعت و امام حسن مجتبی علیه السلام / گره گشایی از برادران دینی
میزان اعمال، نامه اعمال، حوض کوثر / حسن خلق
پل صراط / حق الناس
جهنم / عجب و خود شیفتگی
ولایت امیرالمومنین علیه السلام، شرط ورود به بهشت، قسم النار والجنة /
رسیدگی به ایتمام
ولایت الله و ولایت رسول صلی الله علیه و آله و ولایت ائمه علیهم السلام / ولایت فقیه

*ولایت در قرآن

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و پاسخ به شبهات، اهل سنت / دفاع از ولایت
معرفت به امام / درک محضر امام
امام زمان علیه السلام و شب قدر / خمس
حب اهل بیت علیهم السلام، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان / تربیت فرزند
اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، شیعه و ویژگی ها / تقیه
دفاع از شیعه ۱. پاسخ به شبهات وهابیت / زیارت اهل بیت علیهم السلام
دفاع از شیعه ۲. پاسخ به شبهات وهابیت / توسل به ائمه اطهار علیهم السلام
مقام شیعه در قیامت / هدایت دیگران
شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان علیه السلام / زمینه سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام
رجعت و بازگشت امامان و شیعیان شان و حکومت صالحان در زمین / ایمان

موضوعات / پیام ها

دعا / حسن ظن به خدا

شرایط استجاب دعا / امر به معروف و نهی از منکر

آداب دعا / رضایت به اراده الهی

عید فطر / مراقبه و محاسبه اعمال

امیدواریم تلاش خدمتگزاران شما در مرکز مطالعات و پژوهش های امور مساجد و موسسه تخصصی خطابه امیر بیان مورد استفاده شما آبادگران سنگرهای مساجد قرار گیرد و موجبات رضایت خداوند متعال را که میزبان مهربان این ماه عزیز است، فراهم نماید، ان شاء الله.

مدیر موسسه تخصصی خطابه امیر بیان

روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد بود، مردی وارد مسجد شد، دو رکعت نماز خواند و بعد از نماز، دست به دعا برداشت.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«این بنده در دعا و درخواست خود از خدا، شتاب کرد (و قبل از ثنای الهی دعا نمود).»

سپس مرد دیگری وارد مسجد شد و دو رکعت نماز خواند، پس از نماز، ثنای به جا آورد (یعنی خدا را به اوصافش یاد کرد) و بعد بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آلش، صلوات فرستاد، آنگاه دعا کرد.

پیامبر «صلی الله علیه و آله» (روش دعا کردن او را پسندید، نزد او رفت و) به او فرمود: **سَلِّ تَعَطُّ**: درخواست کن که به تو داده شود؛ دعا کن که دعایت به استجابت می رسد. (۱).

ص: ۱۵

امام صادق(علیه السلام) فرمود: وقتی یکی از شماها نزد شخصی برای حاجتی می رود، آن شخص دوست دارد که قبل از عرض درخواست، سخن خوشی در میان آید. (۱).

و در مسائل روزمره برای هر کاری که انجام می دهیم، دقت می کنیم و قبل از آن مقدماتی را به وجود می آوریم؛ مثلاً برای مهمانی لباس های نظیف می پوشیم و خود را معطر می کنیم، سعی می کنیم سر موقع برویم تا دیگران را منتظر نگذاریم، یقیناً دعا کردن هم متفاوت از این برنامه ها نیست.

امشب هم شب دعا و خواستن از خداست، امشب شب استجاب دعاهاست، چرا که درهای رحمت الهی باز است، و خدا به خاطر صاحب امشب، امام زمان علیه السلام، انشاء الله

دعاها مان را مستجاب می کند، اما خوبست کمی در مورد آداب دعا با هم صحبت کنیم، باشد که همه با دعا های مستجاب از اینجا برویم، البته در دعا مسئله فقط استجاب

نیست، امام باقر(علیه السلام) فرمود:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ

يُسْئَلَ وَيُطَلَّبَ مِمَّا عِنْدَهُ وَ مَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ.»

هیچ چیزی نزد خداوند افضل از این نیست که دست دعا و مسئلت به پیشگاه او دراز کنند و فضل و نعمت او را تقاضا کنند و نزد خداوند هیچ کس مبغوض تر و منفورتر از کسانی که از عبادت او

ص: ۱۶

تکبر می ورزند و از مواهب او تقاضا نمی کنند، نیست. (۱).

پرورش احساس

عبد الله فراء می گوید: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَغْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَ لَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبْتَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ.»

خدای تبارک و تعالی می داند که بنده اش چه می خواهد؛ هر گاه به در گاهش دعا کند، لیکن دوست دارد که حاجت ها به در گاهش شرح داده شود، پس هر گاه دعا کردی حاجت را نام ببر. (۲).

البته یک نکته را هم مد نظر داشته باشیم:

حافظ وظیفه تو دعا کردن است و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید

خداوند به دل می نگرد نه به زبان، به همین دلیل از خطای مرد ساده گذشت نمود. مردی بادیه نشین و بی سواد نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رفت و عرض کرد: «ای رسول خدا، شما دعا های زیادی را به مردم تعلیم فرموده اید، ولی من بی سواد و عاجز هستم و نمی توانم تمام آن ها را به خاطر بسپارم.

به من دعایی بیاموز که برایم کافی باشد.»

حضرت فرمود: «بگو: خداوندا! تو پروردگار من هستی و من بنده توام. این جمله برایت کافی است.» مرد با خوشحالی از نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت، ولی چون فردی عامی و بی سواد بود، نتوانست دعا را درست بخواند.

ص: ۱۷

۱- الکافی، ج ۲، باب تسمیه الحاجه فی الدعاء، ص ۴۶۶.

۲- الکافی، ج ۲، باب تسمیه الحاجه فی الدعاء، ص ۴۷۶.

او شب و روز این جمله را تکرار می کرد: «خداوندا، تو بنده من هستی و من پروردگار توام!» هر گاه این جمله از دهان او خارج می شد، غلغله ای در آسمان ها و در ملکوت اعلی می افتاد و فرشتگان از گستاخی این مرد به لرزه می افتادند. تا این که جبرئیل نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! به آن مرد عامی جمله ای فرموده ای

که از معنی آن اطلاعی ندارد و آن را طوری بیان می کند که کفر می باشد.» به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن مرد را حاضر کردند. پیامبر از وی پرسید: «دعایی را که به تو آموختم، چگونه

بیان می کنی؟» مرد عرض کرد: «از تعلیم شما بسیار شاد و خرسند می باشم و هر وقت این جمله را بیان می کنم، منتظر ثواب آن هستم.» سپس جمله اش را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آله (صلی الله علیه و آله) تکرار کرد. حضرت فرمود: «تو عکس آن چیزی را که من به تو آموخته ام بیان می داری. زنهار! بعد از این، چنین مگو که کافر می شوی.»

مرد بسیار غمگین و دل شکسته گردید و عرض کرد: «ای رسول خدا! مدّتی ندانسته کفر گفته ام، اکنون بفرمائید چگونه گذشته را جبران کنم؟» جبرئیل از طرف خداوند نازل

شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند فرموده است:

«اگر غلط بر بنده من رواست، بر من روا نیست. من به دل بنده نگاه می کنم نه بر زبان او. اگر بنده ای بر زبانش سهوی جاری شود، ولی دل او پر ایمان باشد، ما خطای او را صواب به حساب می آوریم.» (۱).

ص: ۱۸

اخلاص عمل به محضر یار بیار

بگذر ز زبان، دل سوی دلداری بیار

در بحر دل ار گوهر صدقی داری

ما طالبِ اوئیم و خریدار، بیار

دیل کارنگی روانشناس معروف می گوید: هنگامی که کارهای سنگین قوای ما را از بین می برد و اندوه ها، هر نوع اراده ای را از ما سلب می کند و بیشتر اوقات که درهای امید روی ما بسته می شود، به سوی خدا روی می آوریم، ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و نومیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله خواندن نماز و به جا آوردن حمد و ثنای خداوند قوای خود را تجدید نکنیم؟ (۱).

رفتارسازی

برای دعا کردن و بار یافتن به محضر دوست، و بهره مندی بیشتر از فیض و رحمت الهی، آن هم در این شب های بزرگ، آدابی نیاز است:

۱. دعا همراه ستایش الهی و صلوات باشد.

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

«إِيَّاكُمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئاً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَتَّى يَبْدَأَ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَدْحِ لَهُ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلَ اللَّهَ حَوَائِجَهُ.»

حارث بن مغیره گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود: مبادا

ص: ۱۹

چون یکی از شما بخواهد از پروردگار خویش چیزی از حاجات دنیا و آخرت مسألت کند، بدان مبادرت ورزد تا به ستایش او و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله سخن خود را آغاز کند، و سپس حاجات خود را بخواهد. (۱).

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَنْ دَعَا وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَفَرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رُفِعَ الدُّعَاءُ.»

هر که دعائی کند و نام پیغمبر صلی الله علیه و آله را نبرد، آن دعا بالای سرش (چون پرنده ای) بچرخد، و چون نام پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را برد دعا بالا رود. (۲).

۲. رضایت به اراده الهی:

در روایات آمده است که هنگام دعا، به خدا و اجابت دعا توسط او اطمینان داشته باشید و باور شما این باشد که خدا دعایتان را به اجابت می رساند و اگر طبق مصالحی به اجابت نرسد، بهتر از آن را به شما خواهد داد. (۳).

حضرت موسی علیه السلام درویشی را دید که به خاطر برهنگی به زیر ریگ ها پناه برده بود. آن مرد وقتی موسی علیه السلام را دید، گفت: دعا کن خدا مرا از این وضع نجات دهد که بی طاقت شده ام. موسی علیه السلام دعا کرد و رفت. چند روزی از مناجات آن حضرت گذشت که بار دیگر مرد را دید، در حالی که گروه زیادی از مردم دور او را گرفته بودند، پرسید: چه شده است؟ گفتند: این مرد شراب خورده

ص: ۲۰

۱- الکافی، ج ۲، باب الثناء قبل الدعاء، ص ۴۸۴.

۲- همان، باب الصلاة على النبي محمد و أهل بيته عليهم السلام، ص ۴۹۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

و عربده کشی کرده و شخصی را کشته است. اکنون او را قصاص می کنیم. موسی علیه السلام به حکم خدای حکیم پی برد و از جسارت خود استغفار کرد.

کسی که توانگرت نمی گرداند

او مصلحت تو از تو بهتر داند

۳. دعا را به صورت دسته جمعی انجام دهیم:

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا فَدَعَوْا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةَ فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ.»

هیچ چهل نفر مردی برای دعا نزد هم اجتماع نکنند و خدای عزوجل را در کاری نخوانند (و دعا نکنند) جز اینکه خداوند دعای آن ها را مستجاب کند، پس اگر چهل نفر نبودند، و چهار نفر بودند (نزد هم جمع شوند و) ده بار خدای عز و جل را بخوانند، خداوند دعایشان را اجابت کند؛ و اگر چهار نفر هم نباشند و یک نفر باشد که چهل مرتبه خدا را بخواند، پس خدای عزیز جبار برای او اجابت کند. (۱).

روضه

اگر امشب با پای دلما برویم کوفه می بینیم اعضای خانواده امیرالمومنین(علیه السلام) برای ماندن پدر دعا می کنند. حسنین و زینب...

ص: ۲۱

اما يك وقت نفس های علی (علیه السلام) به شماره افتاد و چشم ها به گودی رفت. چشمانش را به در اطاق دوخت، صدا زد: «وَعَلَيْكُمْ السَّلَام يَا رَسُولَ رَبِّي.» (۱) بعد شروع کرد به قرآن خواندن: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.» (۲).

آخرین کلامی که از زبان امیرالمؤمنین (علیه السلام) خارج شد، همین آیه قرآن بود. ضربان قلب علی (علیه السلام) ایستاد و صدای شیون از درون خانه بلند شد: وا محمداه! وا علیاه!

خدایا، چه سنتی شد؟ بدن فاطمه (سلام الله علیها) شب دفن شد. بدن رسول الله (صلی الله علیه و آله) شب دفن شد. بدن امیرالمؤمنین (علیه السلام) شب دفن شد. خوارج آن قدر خبیث بودند که اگر محل دفن را می دیدانستند، ممکن بود قبر را بشکافند و بدن را بیرون بکشند.

یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) یا ابالحسن (علیه السلام)! بچه هایت در کنار قبرت نشستند، صعصعه روضه خواند و آنها گریه کردند و بدنت را داخل قبر گذاشتند. قربان آن آقای که راوی درباره اش می گوید:

دیدم علی بن الحسین (علیه السلام) وارد قبر شد، بدن بی سر ابی عبدالله (علیه السلام) را به آرامی درون قبر گذاشت و شروع کرد به روضه خواندن. قبیله بنی اسد دیدند امام سجاد (علیه السلام) بیرون نیامد، دیدند آقا لب ها را به رگ های بریده گذاشته... سنگ لحد را چید و با

ص: ۲۲

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۲، ص ۲۳۹.

۲- نحل/ ۱۲۸.

انگشت مبارکش روی قبر نوشت: هذا قبر حسین بن علی الذی قتلوه عطشاناً.

هر کجا نشست های سه مرتبه بگو: یا حسین...

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد

آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

ص: ۲۳

انگیزه سازی

ولید بن صبیح می گوید: در راه مکه و مدینه همنشین امام صادق علیه السلام بودم که سائلی نزد ایشان آمد. ایشان امر کردند به او مبلغی عطا شود، سپس نیازمند دیگری آمد و حضرت امر فرمودند به او هم عطا شود تا چهارمین سائل به همین منوال گذشت، نوبت به چهارمین فقیر که رسید، حضرت برای او دعا کردند و فرمودند:

«يُشْبِعُكَ اللَّهُ». سپس رو به ما کردند و فرمودند: نزد ما به اندازه ای که اعطا کنیم آن را هست، اما می ترسم جزء سه گروهی قرار بگیرم که دعایشان مستجاب نمی شود.

سپس حضرت آن سه گروه را معرفی نمودند:

«رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ

ارزُقْنِي، فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ؛

وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ أَنْ يُرِيحَهُ مِنْهَا، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - أَمْرَهَا إِلَيْهِ؛ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جِوَارِهِ، وَ يَبِيعَ دَارَهُ. (١). (٢).

١. کسی که خداوند متعال به او مالی عطا می کند، پس آن را در راه غیر حق انفاق می کند و می گوید: خدایا! به من روزی عنایت کن. پس دعایش مستجاب نمی شود.

٢. کسی که دعا می کند از دست زنش راحت شود؛ در حالی که خداوند طلاق را به دستش داده است.

٣. کسی که دعا می کند بر علیه همسایه اش؛ در حالی که خداوند عزّ وجلّ راهی برای فروش خانه اش برایش فراهم کرده تا همسایه اش را تغییر دهد.

اقناع اندیشه

بدیهی است برای تحقق هر کاری علاوه بر وجود اسباب، نبود مانع نیز لازم و ضروری است. برای مثال رویش بذر سالم در دل خاک مرطوب مشروط به نبود آفتاب سوزان و سرمای شدید است تا بذر بتواند استعداد خود را شکوفا کرده و رشد کند.

آیا دانش آموزدرس نخوانده، دعا بکند قبول می شود؟

می گویند: دانش آموزی به خانه آمد و وارد اتاق جلویی شد و مشغول دعا شد. به خدا گفت: پروردگارا! کوه هیمالیا را در

ص: ٢٦

١- الوافی، ج ٩، ص ١٥٣٥، ح ٨٧١٢ و الوسائل، ج ٧، ص ١٢٣، ح ٨٩٠٧.

٢- کافی (ط - دار الحدیث)، ج ٤، ص ٣٩٣.

استرالیا قرار بده و دریاچه ارومیه را در نیشابور. مادرش گفت: این چه دعایی است که می کنی؟! گفت: من در امتحان جغرافیا پاسخ سؤالات را اشتباه نوشته ام، حالا به خدا می گویم کوه و دریا را جابه جا کند تا من

نمره بیاورم!

آیا زمان دعا و شرایط دیگر را در نظر گرفته ایم؟ در اسلام زمان هایی برای دعا سفارش شده است، از جمله: شب های جمعه، سحرها، بعد از نماز، غروب جمعه، بعد از خطبه های نماز جمعه، هنگام نزول باران و جاری شدن اشک و...

اگر به جای بنزین مخصوص، گازوئیل یا آب در باک هواپیما بریزیم، پرواز صورت نمی گیرد، اگر مانع یا موانعی بر سر راه اجابت دعا است باید دانست آن موانع کدامند.

عدم شناخت نسبت به حضرت باری تعالی و سوء ظن به او، یکی از موانع مهم استجاب دعاست. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ گروهی که پرسیدند: چرا دعاهای ما مستجاب نمی شود، فرمودند: «چون کسی را می خوانید که او را نمی شناسید.» (۱).

او در قرآن فرمود: «ادعونی استجب لکم»؛ مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را. (غافر/۶۰).

انسان تا کسی را نشناسد او را نمی خواند؛ به عنوان مثال، اگر من ندانم که فلانی فرد سخاوتمندی است و می تواند فان مبلغی را به من بدهد، هرگز پیش او نمی روم، ولی وقتی آن فرد را به عنوان فرد کریمی شناختم و دانستم این عمل خیر را در حق من انجام

ص: ۲۷

می دهد، آن وقت است که به در خانه اش رفته و از او طلب حاجت می کنم.

در مورد خداوند متعال هم همینطور است. وقتی خدا را با کمالاتی چون قادر، عظیم، کریم، غفار، وهاب، عزیز و ... شناختیم، به او علاقه مند شده و هر روز، بلکه هر شب حاجاتمان را به درگاه او عرضه می داریم، پس، مرا بخوانید؛ یعنی منی را که می شناسید بخوانید.

پرورش احساس

اگر کسی با شناخت درست خدا را نخواند، دچار سوء ظن به خدا می شود. این خصلت طبق آیات قرآن بسیار مذمت شده است. خداوند در آیه ۶ سوره فتح می فرماید:

«وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا.»

و نیز مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند مجازات کند، حوادث سوئی (که برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان نازل می شود، خداوند نسبت به آن ها غضب کرده، و آن ها را از رحمت خود دور ساخته، و جهنم را برای آن ها آماده کرده، و چه بد سرانجامی است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرموده اند: «خداوند را با حال یقین به اجابت بخوانید.»^(۱) و نیز در حدیث دیگری امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «چون

ص: ۲۸

دعا کنی چنین خیال کن که حاجتت بر در خانه است.»(۱).

به یادداشت های روزانه یک رزمنده اصفهانی دقت کنید؛ او با همزمانش ۱۷ روز بدون غذا و با دست زخمی که کرم زده بود، در دره ای گیر افتاده بوده:

... وقتی در گوشه ای به فکر فرو رفته و به سرنوشت خودمان در دو سه روز آینده فکر می کردم، به این نتیجه رسیدم که اگر دست روی دست بگذاریم، شاهد مرگ یکدیگر، آن هم با وضعی دلخراش خواهیم بود.

... در این چند روز سعی می کردم آن ها را به خواندن دعا و زمزمه کردن اذکار ترغیب کنم، زیرا تجربه کرده بودم که دعا علاوه بر آثار وضعیش، دارای نتایج سودمند طبیعی نیز هست که باعث تقویت روحیه و پایداری و امیدواری می شود. نمازها در این روزها، اغلب با ضجه و اشک همراه بود. حسین و ماشاءالله بعد از اتمام هر نماز، صورت بر خاک گذارده و بشدت می گریستند و از درگاه خدا استمداد می کردند. ۱۳۶۲/۵/۱۱.

صبح روز نهم، در داخل زخم دستم، درد و سوزش شدیدی را احساس کردم. از حسین خواستم که روی زخم را باز کند و بعد از آن که او پارچه آغشته به چرک را برداشت، ناگهان دیدم که در داخل زخم، تعداد بی شماری کرم کوچک سفید رنگ لول می زنند. به زودی دریافتم که بالاخره تخم مگس ها، کار خود را کرده و مقداری از آن ها از روزنه های پارچه رد شده و در سطح زخم، به

ص: ۲۹

۱- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب الیقین فی الدعاء.

کرم تبدیل شده است. کرم ها در محیط مناسب زخم، در چرک و خون می غلتیدند و از آن تغذیه می کردند.

تعداد کرم ها آن قدر زیاد بود که قادر به خارج کردن آن ها از زخم نبودیم. منظره وحشتناک و مشمئز کننده ای بود حسین و ماشاءالله بلافاصله به کمک آمدند و

با استفاده از چوب های باریک به شکار کرم ها پرداختند. خود من نیز با کمک دست چپ قسمتی از کار را به عهده گرفتم. پس از آن که ظاهر زخم، از وجود کرم ها پاک

شد، از حسین و ماشاءالله تشکر کرده و از خدا خواستم فرصتی را به من عنایت کند که از خجالت این دو برادر به در آمده و زحماتشان را جبران کنم به هر ترتیب آن روز هم گذشت و شب فرا رسید.

طبق معمول هر شب، من و حسین در داخل گودال خوابیده بودیم و ماشاءالله نیز در بیرون از بیشه بین سنگ ها استراحت می کرد. یکی دو ساعت از خوابیدن ما گذشته بود و از شدت سرما به خواب نمی رفتیم. در همین لحظات ناگهان متوجه شدیم که عراقی ها بدون هیچ مناسبتی به شلیک یک منور بر فراز بیشه اقدام کردند. منور مدتی فضا را روشن کرد و باد آن را به سمت ما آورد و پس از آن که به خاموشی گرایید، نزدیکی ما، در آن طرف آب بر زمین افتاد. به حسین گفتم: «کار خدا را ببین! همان طور که در میان این همه درخت های جور واجور که حتی یکی از آن ها میوه دار و خوراکی نیست، یک درخت مو را برای تغذیه ما آماده فرموده، اکنون نیز که پارچه

ما برای پانسمان تمام شد، این منور را فرستاد تا از چتر آن برای پانسمان استفاده کنیم.» حسین که

تازه متوجه منظور من شده بود، نیم خیز شد و با خوشحالی گفت: «پس من می روم چتر را بیاورم.» گفتم: «نه. حالا هوا تاریک است، تازه منور آن طرف آب افتاد. بهتر است تا فردا صبح صبر کنیم.»

۱۲/۵/۱۳۶۲.

رفتارسازی

آثار این بحث در

همین شب های قدر خودش را نشان می دهد.

کسانی که شب قدر می آیند، یا کاملاً حسن ظن دارند یا آمده اند که از قافله جا نمانند و گرنه امیدی ندارند به استجاب دعایشان.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: در کتاب علی علیه السلام دیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر روی منبر می فرمایند:

«وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ...»

قسم به کسی که جز او خدایی نیست، خیر دنیا و آخرت به مؤمنی عطا نشد مگر بواسطه چهار چیز؛

۱- حسن ظن نسبت به خدا؛

۲- امیدوار بودن به رحمت او؛

۳- خوش اخلاقی؛

۴- اجتناب از غیبت مؤمنین؛

و قسم به کسی که جز او خدایی نیست، خداوند هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به واسطه چهار چیز؛

۱- سوءظن نسبت به خدا؛

ص: ۳۱

۲- ناامیدی و یأس از رحمت بی کران او؛

۳- بد اخلاقی؛

۴- غیبت مؤمنین؛

و قسم به خدایی که جز او معبودی نیست، هیچ مؤمنی به خدا حسن ظن نمی ورزد، مگر این که خداوند در نزد آن حسن ظن است؛ یعنی، با او مطابق همان حسن ظن برخورد می نماید، چرا که او کریمی است که تمام خوبی ها به دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده ای به او حسن ظن داشته باشد و او خلاف آن ظن با او معامله نماید و امیدش را ناامید گرداند. پس به خداوند و رحمت او امیدوار و راغب باشید. (۱).

روضه

ما هم امشب با سوز دل دعا می کنیم؛ همه روزه دار بوده اند؛ شب زنده دار بوده اند؛ الهی امید هیچ کسی ناامید نشود! بگذارید امشب از کسی بگویم که امید داشت خدمتی به امام زمانش بکند. بعضی ها که اهل روضه اند متوجه شدند. یا باب الحوائج یا ابوالفضل العباس! آی کسانی که تا مشکلی برایشان پیش می آید، صدا می زنند: یا ابوالفضل العباس! یا قمر بنی هاشم!

چه طور امید عباس به ناامیدی تبدیل شد؛ آن لحظه ای که نگران بود نکند تیر به مشک آب بخورد، نکند مشک پاره شود. گویا عرضه می دارد:

ص: ۳۲

خدایا! هرچه تیر هست به بدن من اصابت کند، اما به مشک آب نخورد. انگار صدای العطش بچه ها را می شنود: فَسَمِعَ الْاِطْفَالَ يَتَصَارَخُونَ مِنَ الْعَطَشِ. (۱) انگار صدای سکینه می آید؛ به بچه ها می گوید: بچه ها! ناراحت نباشید! اینقدر ناله نکنید. عمویم برای همه تان آب می آورد؛ عمویم شجاع است؛ عمویم قدرتش زیادست. عباس عرضه می دارد:

خدایا! هرچه تیر هست به بدن من اصابت کند، اما به مشک آب نخورد. انگار صدای العطش بچه ها را می شنود: فَسَمِعَ الْاِطْفَالَ يَتَصَارَخُونَ مِنَ الْعَطَشِ. (۲) انگار صدای سکینه می آید؛ به بچه ها می گوید: بچه ها! ناراحت نباشید! اینقدر ناله نکنید. عمویم برای همه تان آب می آورد؛ عمویم شجاع است؛ عمویم قدرتش زیادست. عباس عرضه می دارد: ای خدا! هرچه زودتر مرا به خیمه برسان، اما امان از آن لحظه که تیر به مشک آب خورد. آب ها روی زمین ریخت. عباس دیگر ناامید شد. با دست خالی کجا بروم؟ همان آقایی که تا چند لحظه قبل گویا صدا می زد: ای خدا! مرا به خیمه برسان، حالا دیگر صدا می زند: خدایا! کار عباس را همین جا تمام کن، دیگر روی رفتن به خیمه را ندارم. اینجا بود که ملعونی چنان با عمود آهنین به فرق مبارکش زد... آیا بگویم چه شد؟ فَسُقِطَ عَلَى الْاَرْضِ يُنَادِي عَلَيْكَ مِّنِ السَّلَامِ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ...

ص: ۳۳

۱- ریاض المصائب، ص ۳۱۵.

۲- ریاض المصائب، ص ۳۱۵.

تبلیغات مسموم زیادی علیه شیعیان شده بود، از اینکه مادرم شیعه است احساس بسیار بدی داشتم و برایم کسر شأن بود. با تشویق پدرم در دوران راهنمایی، در کنار درس های مدرسه، تحصیل دروس حوزوی را هم شروع کردم و ادامه دادم. بعد از اتمام دبیرستان، ۳ سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد مکی رفتم و پس از مولوی شدن، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب ۴ ماه به رایوند پاکستان رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم. در پاکستان به طور تخصصی در ۲۰ جلسه یاد می دادند که چگونه فردی را در عرض ۵ دقیقه به وهابیت جذب کنیم.

در کرمانشاه یک دوست شیعه پیدا کردم به نام مهدی رضایی. فردی بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد و با اعتقاد بود. همیشه سر به سرش می گذاشتم و می گفتم: حیف نیست تو با این اخلاقت شیعه باشی؟ از این دوستی ما ۴ سال گذشت و او مکرر به من می گفت: بیا حداقل یک بار در روزه سیدالشهدا علیه السلام شرکت کن. من هم که دارای ریش بلند و تیپ و قیافه مولوی های وهابی بودم، خیلی سختم بود. به او گفتم: این کفریات چیست؟ می گفت: حالا یک دفعه بیا از نزدیک بین. با اصرار زیاد، من را متقاعد کرد که یک بار به مجلس روزه بروم.

یک شب عاشورا با دوستم به مجلس روزه امام حسین علیه السلام رفتم و با خشم گوشه ای نشستم. دیدم سید بزرگواری منبر رفت و حین صحبت هایش گفت: کدام یک از شما حاضرید به خاطر خدا و اسلام جانتان را بدهید و بعدش هم مطمئن باشید زن و بچه تان به اسارت می روند؟ در آن زمان سیدالشهدا علیه السلام چه دید که حاضر شد، جانش گرفته شود و اهل و اولادش به اسارت روند؟ چرا امام حسین علیه السلام دست به چنین کار بزرگی زد؟ هر چه فکر کردم دیدم که در میان شخصیت های محبوب من، شخصیتی مثل امام حسین علیه السلام پیدا نمی شود که حاضر باشد به خاطر اسلام، دست به چنین کار بزرگ و خطرناکی بزند! این سؤال مهمی بود که برایم ایجاد شد. خیلی برای امام حسین علیه السلام و شخصیت ایشان ناراحت شدم که چرا هیچ کس امام حسین علیه السلام را درک و ایشان را همراهی نکرد. آن شب چراغ ها را خاموش کردند و مشغول سینه زنی شدند، ولی من

سینه نزدَم؛ نشستَم و برای مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام گریه کردم. آن گریه واقعا گریه خاصی بود؛ یک لطف بود. آن شب به قدری گریه کردم که تمام لباسم خیس شد.

از بچگی به ما گفته بودند که شیعیان سفسطه می کنند و ناحق را حق جلوه می دهند. از شیعه فراری بودم. حاضر بودم شیطان پرست شوم؛ اما شیعه نشوم. به همین خاطر همه مذاهب اهل سنت از حنفی گرفته تا حنبلی و مالکی و شافعی را مورد مطالعه جدی قرار دادم. ۴ سال طول کشید تا من همه را بررسی کنم.

خیلی با احتیاط فرقه های شیعه را بررسی کردم تا اینکه برای شناخت بهتر شیعه دوازده امامی، راهی قم شدم. به دفتر آیت الله بهجت رضوان الله تعالی علیه رفتَم و سؤالات و شبهاتی که داشتم از آنجا پرسیدم. آن ها هم با صبر و حوصله و محبت بسیار به من پاسخ دادند. از آنان خواستم کتابی به من معرفی کنند تا درباره شیعه بیشتر تحقیق کنم.

آن ها کتاب المراجعات و شب های پیشاور را به من معرفی کردند. مطالب آن دو کتاب را که می خواندم، فوراً مراجعه می کردم به کتاب های اهل سنت یا به نرم افزار المکتبه الشامله و با کمال تعجب می دیدم مثل اینکه این روایات، واقعیت دارد. برای من سؤال پیش آمده بود که چرا این همه سال، این روایات دور از چشم ما بوده و ما ندیدیم؟ و اگر هم مواردی از این دست می دیدیم و از علما می پرسیدیم، خیلی راحت از کنار این ها می گذشتند و یا توجیه می کردند.

سلمان حدادی یک مولوی وهابی بود؛ کسی که خودش می گوید

بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ فرد سنی مذهب را وهابی کرده است، اما وقتی شبهات ذهنی اش پاسخ داده شد، به جمع شیعیان پیوست.

از آن طرف هم گاهی یک شیعه به خاطر یک شبهه به مسیر انحراف کشیده می شود.

اقناع اندیشه

این عدم شناخت ممکن است خدای نا کرده باعث گمراهی ما شود، همان طور که روز به روز عده ای را به ضلالت می کشاند. چرا به فکر نیستیم؟ بنگریم و ببینیم چقدر به عنوان شیعه، امام علی علیه السلام را می شناسیم؟

کافیست یک شیعه با اهل سنت پیرامون واقعه غدیر وارد بحث شود؛ از اولین چیزهایی که اهل سنت بحث می کنند این است که مولا در من کنت مولی به معنای دوست است. برخی شیعیان به دلیل ضعف اطلاعات نمی توانند جواب دهند؛ در حالیکه اگر اطلاع کافی داشتند به راحتی می توانستند بی منطق و غیر عقلانی بودن این مسأله را اثبات کنند؛ مثلاً فقط با یک آیه از قرآن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای خطبه غدیر آن را قرائت فرمودند، می توان حقانیت امیر المؤمنین را ثابت کرد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.» (مائده/۶۷)

در این آیه نکاتی وجود دارد:

ص: ۳۸

۱) در این آیه به جای «یا ایها النبی» تعبیر «یا ایها الرسول» آمده که نشانه یک رسالت مهم است.

۲) به جای فرمان «ابلاغ» فرمان «بلغ» آمده که نشانه ابلاغ قطعی و رسمی و مهم است.

۳) پیامبر نسبت به نرساندن یک پیام تهدید شده که اگر نگویید همه زحماتش به هدر می رود.

۴) انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»

۵) گاهی ابلاغ پیام الهی باید در حضور مردم و مراسم عمومی و با بیعت گرفتن باشد، ابلاغ ولایت با سخن کافی نیست، بلکه باید با عمل باشد. «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ» به جای «ان لم تبلغ».

۶) احکام و پیام های الهی، همه در یک سطح نیست؛ گاهی کتمان یک حقیقت، با کتمان تمام حقایق برابر است. «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»

۷) انکار ولایت، نوعی کفر است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (۱) نکات این آیه شریفه و ۱۱ جلد کتاب الغدير علامه امینی رضوان الله تعالی علیه دلایل محکمی هستند بر حقیقت خطبه غدیر در اثبات خلافت بلا فصل مولا امیر المؤمنین علیه السلام.

ص: ۳۹

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در روز "غدیر خم" به خلافت منصوب فرمود و درباره او گفت: «من کنت مولاه فعلی مولاه» هر کس من مولی و ولی او هستم علی مولی و ولی او است، چیزی نگذشت که این مسأله در بلاد و شهرها منتشر شد. "نعمان بن حارث فهری" خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: تو به ما دستور دادی شهادت به یگانگی خدا و اینکه تو فرستاده او هستی دهیم، ما هم شهادت دادیم؛ سپس دستور به جهاد و حج و روزه و نماز و زکات دادی، ما همه این ها را نیز پذیرفتیم، اما با اینها راضی نشدی تا اینکه این جوان (اشاره به علی علیه السلام است) را به جانشینی خود منصوب کردی، و گفتی: من کنت مولاه فعلی مولاه، آیا این سخنی است از ناحیه خودت یا از سوی خدا؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به خدا! این از ناحیه خدا است.

"نعمان" روی برگرداند در حالی که می گفت «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ»: خداوندا! اگر این سخن حق است و از ناحیه تو، سنگی از آسمان بر ما باران! اینجا بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت، همین جا آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» (۱) نازل گشت.

آنچه در بالا گفتیم مضمون عبارتی است که در "مجمع البیان" از "ابوالقاسم حسکانی" با سلسله سندش از "امام صادق علیه السلام" نقل شده است. همین مضمون را بسیاری از مفسران اهل سنت، و

ص: ۴۰

رفتار سازی

سعی کنیم ما هم نسبت به مطالعه درباره حقایق ولایت و دفاع از اهل بیت در هر جمع و موقعیتی که هستیم کوتاهی نکنیم.

یک دکتر شیعه می گفت: دوستی داشتم که اهل سنت بود. روزی

ایشان را به شهر خود دعوت کردم و ایشان چند روزی مهمان ما بود. در این مدت با هم در مورد اختلافات اعتقادی بحث کردیم. یکی از مسائلی که مورد بحث قرار گرفت و بالاخره مجاب هم نشد، همین بود که او ادعا می کرد مولا در من کنت مولا به معنای دوستی است. بعد از چند روز دوستم از من خداحافظی کرد و به سمت شهر خود راه افتاد. ساعاتی بعد با او تماس گرفتم و گفتم همین الان برگرد شهر ما؛ با تو کاری دارم. او می گفت چه شده؟ من خیلی از شهر شما دور شده ام و نزدیک شهر خودمان هستم. خلاصه اصرار کردم که برگردد و آمد. تا آمد گفتم: چه شده که مرا باز گرداندی؟ گفتم: کار خاصی ندارم! فقط خواستم عرض کنم: من و تو با هم دوست هستیم و من خیلی تو را دوست دارم. دوستم با کمی دلخوری و عصبانیت گفت: همین! مرد حسابی مرا از کیلومترها و ساعت ها دورتر به اینجا برگردانده ای که فقط بگویی دوستت دارم؟ خوب که گلایه هایش را بر سرم خالی کرد، گفتم: تو که این کار مرا مسخره می دانی، چطور این کار را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می دهی؟ در تاریخ ثبت شده که روز غدیر عده ای جلوتر از کاروان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و حضرت دستور دادند جهت استماع خطبه غدیر برگردند و به جمعیت غدیر خم ملحق شوند. حال به نظر تو درست است و با عقل جور در می آید که پیامبر صلی الله علیه و آله این همه انسان را در گرما ننگه دارد و بعد به آن ها که جلوتر بودند پیغام برساند برگردند تا فقط بگویند علی دوست من است؟ این توهین به پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؟ چطور تو از این کار من دلخور شدی، بعد همین کار را به پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۴۱

نسبت می دهی؟ آیا بیان دوستی با امام علی علیه السلام نیازمند آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله از زن و مرد برای آن پیمان و عهد بگیرد؟ آیا مردم نمی دانستند علی علیه السلام دوست پیامبر صلی الله علیه و آله است که نیاز باشد حضرت در آن گرمای طاقت فرسا آن ها را جمع کند؟ عقل نمی پذیرد که پیامبر صلی الله علیه و آله این همه مردم را سختی بدهد برای این که بگوید علی دوست من است. آیا هر ناظر بی طرفی از این تعبیر نمی فهمد که در اینجا مسأله رهبری مطرح است؟^(۱)

گاهی به همین سادگی می توان از حق اهل بیت علیه السلام دفاع کرد.

روضه

دفاع از ولایت را باید از مادر سادات حضرت زهرا علیها السلام آموخت که نه تنها جانش را سپر بلای امامش کرد، بلکه از قبرش هم برای دفاع جاودانه از حقانیت علی علیه السلام استفاده کرد. دل مولا آتش گرفت وقتی زهرايش وصیت کرد:

ص: ۴۲

۱- . تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸.

«يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنَّنِي وَغَسَّلَنِي وَكَفَّنِي بِاللَّيْلِ وَصَلَّ عَلَيَّ وَادْفَنَنِي بِاللَّيْلِ وَلَا تُعَلِّمَ أَحَدًا وَأَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيَّ وَالسَّلَامَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (١)

ص: ٤٣

١- . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٤٣، ص ٢١٤.

انگیزه سازی

ابو بصیر می گوید: امام باقر علیه السلام به مردی از اهل آفریقا فرمود: راشد چطور است؟ آن مرد پاسخ داد: خوب بود، سلام به شما رسانده. امام فرمود خدا رحمتش کند. عرض کرد: مگر مرد؟ فرمود: آری. پرسید: کی؟

امام پاسخ داد: دو روز پس از حرکت تو. گفت: عجب! نه مرضی داشت و نه مبتلا به دردی بود. فرمود هر کس می میرد یا به مرضی دچار می شود و یا علتی دارد؟

من عرض کردم: آن مرد که بود؟ فرمود: یکی از دوستان و علاقمندان به ما بود. سپس فرمودند: شما خیال می کنید کسی نیست متوجه شما باشد و سخن شما را بشنود، بد خیالی کرده اید.

«وَاللّٰهُ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا شَيْءٌ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ فَاحْضَرُونَا جَمِيعًا وَعَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْخَيْرَ وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ تَعْرِفُوا فَإِنِّي بِهَذَا أَمْرٌ وُلِّدِي وَشِيعَتِي» (۱) بخدا قسم هیچ یک از اعمال شما از ما مخفی نیست، بدانید ما همیشه متوجه شما هستیم. سعی کنید خود را عادت دهید به کار خوب تا به همین امتیاز شناخته شوید؛ من فرزندان خود و شیعیانم را به این کار سفارش می‌کنم.

اقناع اندیشه

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که آیا ممکن است امام به اعمال کسانی که تاکنون ایشان را ملاقات کرده‌اند، آگاه باشد؟ و از این مهم تر، میلیون‌ها شیعه در سراسر دنیا وجود دارند، مگر ممکن است یک نفر، به اعمال میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا علم پیدا کند؟

آن چه باعث می‌شود این امر برای عده‌ای باورپذیر نباشد، اینست که آن‌ها امام را با خودشان که یکانسان عادی هستند، مقایسه می‌کنند؛ در صورتی که امام، انسان کامل و مظهر اسماء و صفات خدا در زمین است و یکی از این اوصاف علیم است. ائمه عالم به غیب آسمان‌ها و زمین هستند و خداوند این علم را به ایشان عطا کرده است، اما این علم از جنس علمما که دارای محدودیت است، نیست.

علم امام با علم مردم عادی تفاوت دارد، در روایت دیگری آمده است:

ص: ۴۶

حضرت صادق علیه السلام به حمران بن اعین فرمود:

يَا حُمْرَانَ إِنَّ الدُّنْيَا عِنْدَ الْإِمَامِ وَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ إِلَّا هَكَذَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى رَاحَتِهِ يَعْرِفُ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا وَدَاخِلَهَا وَخَارِجَهَا وَرَطْبَهَا وَيَابِسَهَا. (۱)

حمران! دنیا و آسمان ها و زمین ها در نزد امام مانند اینست؛ به کف دست خود اشاره کرد: ظاهر و باطن و داخل و خارج و تر و خشک دنیا را می داند.

منظور از اینکه امام اعمال ما را می بیند، این نیست که امام همانند مردم عادی با چشم سر خود امور را می بیند، بلکه او با قلب و روحش به امور دنیا آگاهی می یابد؛ و منظور از این که امام حاضر است، این نیست که او با جسم خود در جایی حاضر می شود تا بعضی بگویند امکان ندارد جسم امام هم زمان در صدها جا باشد. برای بعضی از ما هم اتفاق افتاده که در خواب تجربه ای مشابه داشته ایم؛ یعنی، در عالم خواب در آن واحد حوادث جاری در مکان های مختلف را دیده ایم. امام صادق علیه السلام درباره احاطه علمشان به دنیا فرموده اند:

«إِنَّ الدُّنْيَا تَمَثَّلُ لِلْإِمَامِ فِي مِثْلِ فَلَقَهُ الْجَوْزُ فَمَا يَعْزِضُ لِشَيْءٍ مِنْهَا وَ إِنَّهُ لَيَتَنَاوَلُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا كَمَا يَتَنَاوَلُ أَحَدُكُمْ مِنْ فَوْقِ مَائِدَتِهِ مَا يَشَاءُ فَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِنْهَا شَيْءٌ.» (۲)

دنیا مانند یک پوست گردو در مقابل امام مجسم شده؛ چیزی از

ص: ۴۷

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۳۸۵، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۲- الاختصاص، ص ۲۱۷ و بصائر الدرجات، ص ۲۱۷.

دنیا در نظر امام پوشیده نیست. او می تواند از هر جای دنیا آنچه را که بخواهد بگیرد، مثل شما که از سفره هر چه را می خواهید بر می دارید و از دست شما فاصله ندارد.

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ بَكْرٍ أَرْجَانِي نَقَلَ مِي كَنْد:

امام فرمود: «يَا ابْنَ بَكْرٍ إِنَّ قُلُوبَنَا غَيْرُ قُلُوبِ النَّاسِ». دل های ما غیر دل های مردم است؛ ما پاک و برگزیده هستیم؛ چیزهایی را می بینیم که مردم نمی بینند و چیزهایی را می شنویم که آنها نمی شنوند؛ ملائکه بر ما روی فرشهای مان نازل می شوند و حاضر و شاهد بر مردگان ما هستند؛ اخبار و پیش آمدهایی که اتفاق نیفتاده برای ما می آورند؛ با ما نماز می خوانند و برای ما دعا می کنند؛ بال های خود را به ما می مالند و فرزندانمان بر روی بال های آن ها حرکت می کنند.... هر شبی که می آید اخبار تمام زمین ها نزد ما است؛ آنچه پیش می آید و اخبار جنیان و اخبار هوا از ملائکه؛ هر پادشاهی در زمین می میرد و دیگری جانشین او می شود، خبرش را برای ما می آورند و چگونگی رفتار او را؛ خبر هر یک از شش زمین تا زمین هفتم برای ما آورده می شود.

گفتم: جُعِلَتْ فِدَاكَ فَهَلْ يَرَى الْإِمَامُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟ فدایت شوم! آیا امام بین مشرق و مغرب را می بیند؟

فرمود: پس چگونه می تواند حجت و امام باشد برای مشرق و مغرب، با اینکه آن ها را نبیند و حکم نکند در میان ایشان؟ و چگونه حجت خواهد بود بر مردمی که از دیده او پنهانند؛ نه او بر آن ها قدرت دارد و نه آن ها بر او؟ چگونه سفیر از جانب خدا

و شاهد و گواه بر خلق است با اینکه آن‌ها را نمی‌بینند؟ و چگونه حجت بر آن‌ها است با اینکه پنهان از نظر اویند و فاصله باشد بین آن‌ها و بین انجام مأموریت پروردگار میان آن‌ها؟ با اینکه خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ» (۱) منظور تمام مردم زمین هستند و حجت پس از پیامبر جانشین او خواهد بود. (۲)

پرورش احساس

یکی از چیزهایی که ارزش عمل را از نظر کیفیت بالا می‌برد، معرفت است. چرا در باب زیارات اینقدر آمده است که مثلاً «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَارِفًا بِحَقِّهِ...»؟ هر کسی که امام را زیارت کند به شرط اینکه او را بشناسد چنین و چنان است، چرا؟

زیرا اساس، شناخت است. اینکه بعضی از اشخاص شبهه می‌کنند که یک قطره اشک برای امام حسین مگر می‌تواند اینقدر ارزش داشته باشد، پاسخ این است که گاهی ممکن است انسان آنقدر برای امام حسین بگرید که اگر اشک همه عمر را جمع کنند یک استخر بشود و هیچ ارزشی هم نداشته باشد. ولی یک انسان ممکن است به اندازه یک بال مگس برای امام حسین اشک بریزد که ارزشش از آن استخر اشک دیگری خیلی بیشتر باشد. (۳)

از آیه الله بهجت نقل شده است که در منطقه «جاسب» قم،

ص: ۴۹

۱- سبا/ ۲۸.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۳۷۲.

۳- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۷، ص ۴۹۱.

گروهی از زائران امام هشتم علیه السلام هنگام مراجعت از مشهد به پیرمردی برخورد می کنند که در گرمای روز کوله باری از علف به دوش می کشد. جمعیت با شماتت و سرزنش می گویند: پیرمرد! زحمت دنیا را ول کن نیستی! بیا تو هم لا اقل یک بار به مشهد مقدس سفر کن! و این سخن را تکرار و او را بسیار توبیخ می کنند. پیرمرد خسته و پاک دل زبان می گشاید و می گوید: شما که به زیارت آقا رفتید و به آقا سلام دادید، جواب گرفتید یا نه؟ می گویند: پیرمرد! این چه سخنی است که می گویی! مگر آقا زنده است که سلام ما را جواب بدهد! پیرمرد می گوید: عزیزان! امام که زنده و مرده ندارد؛ ما را می بیند و سخنان ما را می شنود؛ زیارت که یک طرفه نمی شود. آنان می گویند: آیا تو این عرضه را داری؟ وی می گوید: آری! و از همان جا رو به سمت مشهد مقدس می کند و می گوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ یا امام هشتم» و همه با کمال صراحت می شنوند که به آن پیرمرد به نام خطاب می شود که: «عَلَیْكُمْ السَّلَامِ آقای فلانی» و بدین ترتیب زائران همگی خجالت کشیده، پشیمان می شوند که چرا سبب دلشکستگی این مرد نورانی را فراهم آوردند. (۱)

اگر معرفت و شناخت ما نسبت به امام درست شد، زندگی ما عوض خواهد شد:

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید

شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

ص: ۵۰

امام زمان عجل الله تعالی فرجه در نامه ای به شیخ مفید چنین نوشتند:

«نَحْنُ وَ إِنْ كُنَّا تُثَاوِينِ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَانَاهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِشِيَعِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَثْبَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.» (۱)

«ما اگر چه مقیم هستیم در جای خودمان که دور از منازل ستمگران است، بر طبق مصلحتی است که خداوند برای ما و برای شیعیان مؤمن ما، مادامی که دولت فاسقین برقرار است، مقدر فرموده. ما به اخبار شما مسلط هستیم و علم داریم و هیچ خبری از شما برای ما پنهان نیست... ما شما را بی سرپرست رها نمی کنیم. و یاد شما را فراموش نمی کنیم (به یاد شما هستیم)...

ما شیعیان خود را طوری عادت بدهیم که اعمالمان را (در خلوت یا جلوت) در محضر امام زمان ببینیم و در مرحله بعد نسبت به همسر و مخصوصا فرزندانمان احساس مسئولیت کرده و به این امر متذکر شویم.

اگر از کودکی در بازی ها و تفریحات و درس خواندن و... به فرزندان خود فهماندیم که در محضر امام زمان هستی، دیگر نگران نخواهیم بود نکند در ساعاتی که تنهاست خطا کند.

اگر این نگاه را در خودمان زنده کردیم، بسیاری از رذایل اخلاقی را از خودمان دور خواهیم کرد. مانند شهید آوینی که

ص: ۵۱

۱- . قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۲. قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

همسرش نقل می کند: چند سال از انقلاب گذشته بود که مرتضی سیگارش را ترک کرد. دلیلی که برای این کار ذکر کرد این بود: آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار ما هستند. در این صورت من چه طور می توانم در حضور ایشان سیگار بکشم؟ این گونه بود که دیگر هرگز لب به سیگار نزد. (۱)

و در آخر سخن همه شما عزیزان را به روایتی از آقا رسول الله میهمان می کنم. حضرت در مورد این که شیعیان چه کسانی هستند، می فرمایند:

«إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ شِيعَنَا وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ اقْتَدَى بِأَعْمَالِنَا.» (۲)

همانا شیعه ما کسی است که دنبال ما بیاید، و از آثار ما پیروی کند، و به کردار ما اقتدا نماید.

روضه

اجازه بدهید آخر منبر سری به آقایی بزیم که دل سوخته ترین شخص در این عالم است! کسی که خودش در زیارت ناحیه فرمود: «جد غریبم! لاندبنک صباحا و مساء و لأبکین لک بدل الدموع دما؛ جد غریبم! صبح و شب برایت گریه می کنم.» اگر دیگران فقط محرم اشک می ریزند، امام زمان همیشه همه صحنه ها جلو چشمشان است.

بینید او چه می کشد... آن وقت می فرماید: به جای اشک، خون گریه می کنم.

ص: ۵۲

۱- . مرتضی آینه زندگی ام بود.

۲- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۵، ص ۱۵۴.

در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به جدشان این طور خطاب می کنند: «السلام علی الشیب الخضیب؛ جد غریم! سلام بر محاسن خونینت» «السَّلَامُ عَلَی الْخَدِّ التَّرِيبِ». آخرین جمله، «السلام علی الرأس المرفوع»^(۱).

ص: ۵۳

۱- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص ۲۳۶.

انگیزه سازی

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، نقل می کرد: مدتی در شهر سامراء نزد آیت الله میرزای شیرازی درس می خواندیم. روزی در وسط درس، آیت الله سید محمد فشارکی وارد شد؛ در حالی که بسیار مضطرب و نگران بود. علت نگرانش این بود که بیماری مسری وبا در عراق شیوع یافته بود و بسیاری از مردم را کشته بود. آقا سید محمد فشارکی فرمود: آیا شما مرا مجتهد می دانید؟ گفتیم: آری. فرمود: آیا مرا عادل می دانید؟ گفتیم: آری (منظور او این بود که پس از تأیید، حکمی صادر کند). آن گاه گفت: من به تمام شیعیان سامره از زن و مرد حکم می کنم که هر یک از آن ها یک بار زیارت عاشورا

را به نیابت از مادر امام زمان علیه السلام بخوانند، و آن مادر بزرگوار را در نزد فرزند بزرگوارش شفیع قرار دهند که امام زمان علیه السلام پیش خدای بزرگ از ما شفاعت نماید تا خداوند شیعیان سامراء را از بیماری وبا حفظ گرداند. مرحوم آیت الله حائری گوید: وقتی که این حکم از مرحوم آیت الله سید محمد فشارکی صادر شد، چون خطر مرگ در میان بود، همه شیعیان اطاعت نمودند و در نتیجه، یک نفر شیعه در سامراه تلف نگردید و خداوند متعال شیعیان را از این بلای عمومی نجات بخشید. (۱)

عزیزان! این است نتیجه توسل به امام زمان علیه السلام که هر گره کوری را باز می کند؛ مخصوصا امشب که تعلق ویژه ای به امام زمان علیه السلام دارد.

اقناع اندیشه

قرآن می فرماید: «تنزل الملائکه والروح فیها یاذن ربهم من کل أمر سلام هی حتی مطلع الفجر.» (قدر/ ۴ و ۵) یعنی در شب قدر تمام ملائک و روح بر روی زمین نازل می شوند. سؤال اینجاست که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند؟ این همه فرشته ای که در شب قدر روی زمین می آیند نزد چه کسی می روند؟ اکنون که دیگر نزول قرآنی وجود ندارد که ملائکه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شوند، پس در شب قدر ملائکه برای چه کاری و بر چه کسی نازل می شوند؟ سنی و شیعه به اتفاق می گویند: شب

ص: ۵۶

قدر برای یک سال به خصوص نیست؛ هر سال یک شب قدر دارد. با توجه به اینکه «تنزل» فعل مضارع است، و دلالت بر استمرار دارد (در اصل «تتنزل» بوده) روشن می شود که شب قدر مخصوص به زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و نزول قرآن مجید نبوده، بلکه امری است مستمر و شبی است مداوم که همه ساله تکرار می شود.^(۱)

خوب، فرشته ها کجا می روند؟ روایات متواتر است که زمان پیغمبر فرشته ها خدمت پیغمبر می رسیدند، و چون هر سال شب قدر است و زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله هر سال فرشته ها خدمت ایشان می رسیدند، الآن هم باید یک کسی باشد مثل پیغمبر صلی الله علیه و آله، که لیاقت داشته باشد فرشته ها خدمت او برسند. باید کسی باشد تمام کمالات پیغمبر صلی الله علیه و آله را داشته باشد.^(۲) (غیر از خاتمیت)

هم چنان که زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله خدمت پیغمبر می رسیدند، در زمان ما هم خدمت حضرت مهدی علیه السلام می رسند. روایات ما در این باب بسیار زیاد است؛ از جمله علی بن ابراهیم قمی در تفسیری درباره نزول فرشتگان و روح در شب قدر می گوید: فرشتگان و روح القدس، در شب قدر، بر امام زمان علیه السلام نازل می شوند و آنچه را از مقدرات سالانه بشر نوشته اند، به او تقدیم می دارند.

همین محدث مورد وثوق از حضرت امام باقر علیه السلام نقل کرده که وقتی از حضرتش پرسیدند: آیا شما می دانید که ليله القدر کدام شب است؟ حضرت فرمودند: چگونه ندانیم و حال آن که در شب

ص: ۵۷

۱- . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۸۱.

۲- . کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

قدر فرشتگان بر گِرد ما طواف می کنند. (۱)

همچنین در روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: شب قدر در هر سال است و در آن، کار یک سال نازل می شود، برای آن کار بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نمایندگان هست، گفتم: آن ها کدام هستند؟ فرمود: من و یازده فرزندم از صلب من همه امامان محدثند. (۲)

بنابراین شب قدر، شب نزول تمامی ملائکه به محضر حضرت صاحب العصر و الزمان علیه السلام است؛ یعنی شبی است که وجود مقدس امام عصر، تمام موجودات را تحت اشراف مخصوص قرار می دهند، حضرت حجّت علیه السلام همه کاره عالم هستند، خلیفه تامّ الاختیار خداوند متعال روی زمین هستند، نه تنها تقدیر سال به امضای حضرت است؛ بلکه تنها کسی که تغییر تقدیر در طول سال به اراده اوست، ایشان است.

تحریرک احساس

حضرت آیت الله حسینی تهرانی در کتاب معادشناسی از قول یکی از اعظام نجف نقل می فرماید:

ما از نجف اشرف عیال اختیار کردیم و سپس در فصل تابستان برای زیارت و ملاقات ارحام عازم ایران شدیم و پس از زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام عازم وطن خود که شهری است در نزدیکی های مشهد گردیدیم. آب و هوای آن جا به عیال ما نساخت

ص: ۵۸

۱- . تفسیر القمی، ص ۷۳۱ و علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، جز ۲۳.

۲- . اصول کافی، کتاب الحجّه، باب فی شان انا انزلناه فی ليله القدر.

و مریض شد و روز به روز مرضش شدت پیدا کرد و هر چه معالجه کردیم، سودمند واقع نشد و در آستانه مرگ قرار گرفت. من در بالین او بودم. بسیار پریشان بودم، دیدم عیالم در این وقت فوت می کند و من باید تنها به نجف برگردم و در نزد پدر و مادرش خجل و شرمنده گردم و آن ها بگویند: دختر نوعروس ما را برد و در آن جا دفن کرد و خودش برگشت.

حال اضطراب و تشویش عجیبی در من پیدا شد. فوراً آمدم در اتاق مجاور ایستادم و دو رکعت نماز خواندم و توسل به حضرت امام زمان علیه السلام پیدا کردم و عرض کردم: یا ولی الله! همسر من را شفا دهید که این امر از دست شما ساخته است و با نهایت تضرع و التجاء متوسل شدم. سپس به اتاق عیالم آمدم. دیدم نشسته و مشغول گریه کردن است. تا چشمش به من افتاد، گفت: چرا مانع شدی؟ چرا نگذاشتی؟ من متوجه نشدم چه می گوید و تصور کردم که حالش بد است. بعد که قدری آب به او دادیم و غذا به دهانش گذاریم قضیه خود را برای من نقل کرد و گفت:

جناب عزرائیل علیه السلام برای قبض روح من با لباسی سفید آمد و بسیار زیبا و آراسته بود. به من لبخندی زد و گفت: حاضر به آمدن هستی؟ گفتم: آری! بعداً امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آوردند و با من بسیار ملاطفت و مهربانی نمودند و به من فرمودند: من می خواهم بروم نجف. می خواهی با هم به نجف برویم؟ گفتم: بلی! خیلی دوست دارم با شما به نجف بیایم. من برخاستم. لباس خود را پوشیدم و آماده شدم که با آن حضرت به نجف اشرف برویم.

همین که خواستم با آن حضرت از اتاق خارج شوم، دیدم که آقا امام زمان علیه السلام آمدند و تو هم دامان امام زمان علیه السلام را گرفته ای. حضرت امام زمان علیه السلام به آقا امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: این بنده به ما متوسل شده، حاجتش را برآورد! حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سر مبارک را پایین انداخته و به جناب عزرائیل علیه السلام فرمودند: به تقاضای مرد مؤمن که متوسل به فرزند ما شده است برو تا موقع معین! و آن گاه امیرالمؤمنین علیه السلام از من خداحافظی کردند و رفتند. چرا نگذاشتی بروم؟ (۱)

در این شب عزیز از آقا بخواهیم که ما را دعا کنند و ایشان دعا می کند. سید بن طاووس قدس الله سره می فرماید: در یک سحرگاه در سرداب مطهر از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه این مناجات را شنیده ام که می فرماید: اللهم ان شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا و بقیه طینتنا و قد فعلوا ذنوبا کثیره... . خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده ای، آن ها به اتکاء محبت به ما و ولایت ما گناهان زیادی مرتکب شده اند، اگر گناهان آن ها گناهی است که در ارتباط با تو است، از آن ها بگذر که ما را راضی کرده ای و آنچه از گناهان آن ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است به آن ها بده تا راضی شوند و آن ها را از آتش جهنم نجات بده و آن ها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما. (۲)

ص: ۶۰

۱- . معادشناسی، ج ۱، صص ۲۵۸-۲۸۸.

۲- . بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

در این شب عزیز از پدر مهربانمان بخواهیم برای ما دعا کند؛ دعا برای عاقبت به خیری. عاقبت به خیری خیلی مهم است؛ آن قدر مهم که حتی پیغمبر صلی الله علیه و آله برای عاقبت خودش دعا می کرده و می فرموده: «اللهم أحسن عاقبتنا فی الامور كلها» (۱) و وقتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام خیر شهادتشان را از پیامبر شنیدند، بلافاصله عرض کردند: «أفی سلامه من دینی؟» (۲) آیا عاقبت به خیر می شوم؟

وقتی حال این معصومان این گونه است، ما به طریق اولی باید نگران عاقبت خود باشیم. امشب این عاقبت را از صاحب همین شب بگیریم.

امشب همه محتاج دعای حضرت هستیم. وای به حال کسی که امشب از دعای حضرت محروم باشد. در روایت آمده است: حضرت رضا علیه السلام در جواب تاجری که درخواست کرده بود حضرت از پرداخت خمس معافش کنند، نوشتند: «وَلَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ» با ندادن خمس خودتان را از دعای ما اهل بیت محروم نکنید. (۳)

و وای به حال کسی که خدای نکرده مورد نفرین حضرت قرار بگیرد. شاید بفرمایید: مگر شیعیان حضرت هم مورد لعن ایشان قرار می گیرند؟

امام زمان علیه السلام در نامه ای که برای محمدبن عثمان (نایب دوم) فرستاد، نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم لعنت خدا و لعنت

ص: ۶۱

۱- نهج الفصاحه، حدیث ۴۹۳.

۲- کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۶۹.

۳- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۵۴۷.

فرشتگان و لعنت تمام مردم بر کسی که یک درهم بدون مجوز مال ما را بخورد.»(۱)

عزیزان! آیا مواظب هستیم حق امام زمان علیه السلام در مال ما نباشد؟ نگوییم ما آنقدر ثروت مند نیستیم که خمس به ما تعلق بگیرد. خمس ربطی به وضع خوب و بد مالی ندارد، همه باید حساب مالی داشته باشند؛ هر سال یک حساب مالی و چه بهتر که این حساب و کتاب در شب قدر باشد.

شخصی از قم خدمت امام جواد علیه السلام رسید و عرض کرد: من متولی موقوفات قم هستم و ۱۰۰۰۰۰ درهم نزد من بود که خرج کرده ام، لطفا حلال کنید. امام جواد علیه السلام از این عمل انتقاد کرده و فرمودند: «چگونه اموال آل محمد و طبقه محروم را مصرف کرده و توقع دارند من آن را حلال کنم وَ اللَّهُ لَيَسْأَلَنَّهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ ذَلِكَ سُؤالا حَثِيثًا.»(۲)

روضه

نکند مال امام زمان در اموال ما باشد و ما هم جزء کسانی باشیم که حق ایشان را غصب کردند. غصب اموال اهل بیت علیهم السلام سابقه بدی دارد؛ این جریان از مدینه شروع شد. نکند ما هم جزء غاصبان حق ایشان باشیم.

«فَخَرَجْتُ وَ الْكِتَابُ مَعَهَا فَلَقِيَهَا عُمَرُ فَقَالَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ مَا هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي مَعَكَ فَقَالَتْ كِتَابُ كَتَبَ لِي أَبُو بَكْرٍ بَرْدًا فَدَكَ

ص: ۶۲

۱- . وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۶۷۳.

۲- . کافی، ج ۱، ص ۵۴۸.

فَقَالَ هَلْمِيهِ إِلَيَّ فَأَبَتْ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَيْهِ فَرَفَسَهَا بِرِجْلِهِ وَكَانَتْ حَامِلَةً بِابْنِ اسْمِهِ الْمُحَسَّنُ فَأَسْقَطَتِ الْمُحَسَّنَ مِنْ بَطْنِهَا ثُمَّ لَطَمَهَا فَكَأَنِّي
أَنْظُرُ إِلَى قُرْطٍ فِي أُذُنِهَا حِينَ نُقِفْتُ ثُمَّ أَخَذَ الْكِتَابَ فَخَرَقَهُ. (١)

ص: ٦٣

١- . الإختصاص، النص، ص ١٨٥.

انگیزه سازی

اولین بار است که ابی عبدالله علیه السلام روزه گرفته، فاطمه علیها السلام دنبال رسول الله صلی الله علیه و آله فرستاد: پدرجان اولین بار است حسین روزه گرفته، افطار قدم رنجه کنید، خدمت شما باشیم.

همه کنار سفره افطار حسین جمعند، وقت افطار که شد، آب مقابل حسین گذاشتند، وقتی خواست افطار کند، نگاهی به صورت جدش کرد، یا جدّا، به من چه می دهی افطار کنم؟ نگاهی به صورت قشنگ حسین کرد و فرمود: نصف عبادت های من برای آن هایی که تو را دوست دارند. امیرالمؤمنین فرمود: حسین جان افطار کن.

: بابا جان به من چه می دهی افطار کنم؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نصف عبادت های من برای آن هایی

که تو را دوست دارند. (فردای قیامت به پرونده اعمال نگاه می کنی و عبادت های علی را می بینی) فاطمه علیها السلام فرمود: پسرم افطار کن!

: مادر! به من چه می دهی افطار کنم؟

فرمود: نصف عبادت های من برای آن هایی که برای تو گریه می کنند، (ثواب یکی از آن نماز شب های نشسته حضرت زهرا علیها السلام برای همه ما بس است)

امام حسن علیه السلام فرمود: برادر! افطار کن!

: برادر شما به من چه می دهی؟

فرمود: فردای قیامت خودم بر در بهشت می ایستم و یک یک محبانت را وارد بهشت می کنم، بعد از آن که همه آن ها وارد بهشت شدند، خودم وارد می شوم. (۱)

اقناع اندیشه

ابن عباس می گوید: چون پیغمبر صلی الله علیه وآله به مدینه آمد، حادثی برای حضرت واقع می شد و حقوقی بر گردنش می افتاد، ولی دستش تنگ بود. انصار گفتند: این مرد ما را به راه خدا هدایت کرده و اکنون با حادثی که پیش می آید و حقوقی که بر گردنش می افتد، تنگدست است. بیایید تا آنجا که خود فقیر نشویم مالی گرد آوریم و تقدیم کنیم تا دستگیرش باشد. این کار را کردند و مال جمع شده را نزد پیغمبر صلی الله علیه وآله برده و گفتند: یا رسول الله! خدا به

ص: ۶۶

۱- . گلوآزه های محرم مجمع الذاکرین، کبریت احمر مرحوم بیرجندی و نرم افزار هدایت در حکایت موضوع محبت.

دست تو ما را هدایت کرده، پس در نظر گرفتیم از اموال خود مبلغی جمع کرده و خدمتتان بیاوریم تا بدین وسیله کمک کرده باشیم. آیه نازل گردید:

«بگو من از شما مزد نمی خواهم، مگر دوستی خویشاوندان را.»

حال مزد رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چیست؟ پیامبر اسلام از مردم درخواست مزد مادی نداشت، ولی چندین مرتبه از طرف خداوند با کلمه «قُلْ» مأمور شد تا مزد معنوی را که به نفع خود مردم است، از مردم تقاضا کند. «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (۱) این مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمده است.

یک بار می فرماید: من هیچ مزدی نمی خواهم جز آنکه هر که خواست راه خدا را انتخاب کند؛ «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان/۵۷)

و یک بار در آیه مورد بحث که می فرماید: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ.»

با کمی تأمل می فهمیم که باید راه خدا و مودت اهل بیت یکی باشد، زیرا اگر دو تا باشد، تناقض است، یعنی نمی توان گفت: من فقط تابستان ها مطالعه می کنم و بار دیگر گفت: من فقط زمستان ها مطالعه می کنم. زیرا محصور باید یک چیز باشد.

از طرفی مودت با دو چیز ملازم است: اول، شناخت و معرفت، زیرا تا انسان کسی را نشناسد، نمی تواند به او عشق بورزد. دوم اطاعت، زیرا مودت بدون اطاعت نوعی تظاهر و ریاکاری است.

ص: ۶۷

پس کسانی که دستورات خود را از غیر اهل بیت پیامبر علیهم السلام می گیرند، راه خدا را پیش نگرفته اند. (۱)

پرورش احساس

در قرآن و روایات اسلامی اعم از شیعی و سنی بر مودت و محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید فراوان شده است؛ و این تنها بدان جهت نیست که آنان ذریه پیامبر و از نسل اویند، بلکه از آن جهت است که آنان دارای فضایل و کمالات، و به عبارت دیگر جامع همه صفات کمال و جمالند؛ به تعبیر دقیق تر، مظهر صفات جمال و جلال الهی اند.

زمخشری در کشاف حدیثی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من مات علی حب آل محمد مات شهیداً؛ الا و من مات علی حب آل محمد (ص) مغفوراً؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الایمان؛ الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنه ثم منکر و نکیر؛ الا- و من مات علی حب آل محمد یزف الی الجنه کما تزف العروس الی بیت زوجها؛ الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنه؛ الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکه الرحمه؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات علی السنه و الجماعه؛ الا و من مات علی بغض آل محمد جاء یوم القیامه مکتوب بین عینیه آیس من رحمه الله الا

ص: ۶۸

و من مات علی بغض آل محمد مات کافراً؛ الا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحه الجنة» (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت از سوی خدا به حضرت زهرا علیها السلام خطاب می شود:

ای فاطمه! از من بخواه تا به تو عطا کنم و آرزویت را بگو تا تو را خوشنود سازم، آن حضرت گوید: پروردگارا! تو آرزوی من و بالاتر از آرزوی من هستی، از تو می خواهم که دوستدارانم و دوستداران فرزندانم را در آتش عذاب نکنی. در این هنگام خداوند به او وحی می کند: ای فاطمه! سوگند به عزت و جلالم و بلند مرتبه بودن جایگاهم، دو هزار سال قبل از آن که آسمان ها و زمین را خلق کنم، بر خود سوگند یاد کرده ام که دوستانت و دوستان خاندانت را به آتش جهنم عذاب نکنم. (۲)

در دنیا هم محبین اهل بیت چیزی به نام بن بست ندارند، زیرا در بن بست ها و سختی ها اهل بیت او را دستگیری می کنند.

همسر شهید برونسی تعریف می کند: وضع حمل من نزدیک بود. عبدالحسین دوست داشت بچه در منزل خودمان به دنیا بیاید، رفت دنبال قابله. درد من زیاد شد، منتظر قابله بودم. قابله آمد، خانم موقر و سنگینی بود و دست سبکی داشت. بچه به راحتی به دنیا آمد. پیشنهاد داد اسمش را فاطمه بگذارید. مادرم چای و میوه آورد. نخورد و خداحافظی کرد و رفت.

ص: ۶۹

۱- تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰ و ۲۲۱ و تفسیر فخر رازی ج ۲۷، ص ۱۶۵ و ۱۶۶ و تفسیر قرطبی ج ۸، ص ۵۸۴۳.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۵۳.

عبدالحسین ساعت سه نصف شب آمد. مادرم گفت: قابله را می آوری و میروی؟ نمی گویی شاید کاری با تو داشته باشیم؟ آمد بچه را بغل کرد و مثل ابر بهاری گریه کرد. سال ها گذشت. بالاخره رازش را فاش کرد و گفت: آن روز من رفتم دنبال قابله، کاری پیش آمد. رفتم برای پخش اعلامیه، ساعت دو و نیم یادم آمد که برای چه کاری آمده بودم بیرون، آمدم خانه، آن خانم هر که بود خودش آمده بود. (۱)

شیخ سلیمان قندوزی که سنی حنفی است با سندی ارزشمند نقل می کند:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «معرفة ال محمد برائه من النار و حب ال محمد جواز علی الصراط و الولایه لآل محمد امان من العذاب.» (۲)

رفتار سازی

حال که محبت به اهل بیت علیهم السلام اینقدر اهمیت دارد که داشتن آن سعادت و نداشتن آن، شقاوت را به دنبال دارد، باید کاری کنیم تا فردای قیامت حسرت نخوریم و مدیون خانواده خود نباشیم، چون زن و فرزند حقی بر گردن ما دارند و ما در برابر آنان مسئولیم و آن مسئولیت هدایت و تربیت است.

خداوند در قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.» (تحریم/۸)

ص: ۷۰

۱- . خاکهای نرم کوشک، ص ۳۳.

۲- . ینابیع الموده، ج ۱، ص ۷۸.

طبق این آیه شریفه و فرمایشات اهل بیت علیهم السلام در ذیل این آیه، بر ما واجب است خود و خانواده را از آتش جهنم دور کنیم. قابل توجه است که تعبیر به "قوا" (نگاهدارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید، خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند. شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. یکی از عوامل سقوط و انحراف توجه نداشتن به تأثیر محبت اهل بیت علیهم السلام در مسیر نجات خود و خانواده از آتش است. شاید پرسید چگونه خود و خانواده را از خطرات و انحرافات حفظ کنیم؟ توجه شما را به این روایت جلب می‌کنم:

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به برخی از بچه‌ها نگاهی کردند و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان. سؤال شد: یا رسول الله! از دست پدران کافرشان؟ حضرت فرمودند: خیر از دست پدران مؤمنشان که به فرزندان خود واجبات دینی را یاد نمی‌دهند و وقتی که فرزندان می‌خواهند چیزی از مسائل دین را یاد بگیرند، آن‌ها را منع می‌کنند و آن‌ها را به دنیا طلبی تشویق می‌کنند. من از آنان دوری می‌جویم و آن‌ها هم از من دورند. (۱)

بنابراین، نکته اصلی این است که در تربیت آن‌ها و آموزش مسائل دینی اهتمام بورزیم و مراقب باشیم که مبادا مشغول دنیا شوند. برخی از پدر و مادرها حاضرند فرزندشان کلاس کامپیوتر برود، اما او را به کلاس قرآن نمی‌فرستند. دوست دارند

مدرسه

ص: ۷۱

فوتبال برود، اما اجازه نمی دهند هیئت برود، تا جایی که دل آن ها مملو از مادیات می شود و دیگر جایی برای دل بستن به اهل بیت و پیروی از آن ها نمی ماند. قبل از آنکه مشغول دنیا شوند باید آن ها را با بردن به مجلس اهل بیت و یادگیری معارف معصومین و تشویق به گرفتن مجلس روضه در منزل توسط فرزندان، آن ها را فرزندانی ولایی و اهل بیتی بار بیاوریم.

خشت اول چون نهد معمار راست

تا ثریا می رود دیوار راست

پدر آقای قرائتی از نعمت فرزند محروم بودند. در کنار خانه کعبه از خدا طلب فرزند کردند، به این نیت که همه را خادم اهل بیت کنند. صاحب چندین فرزند شدند و چنان با این نیت خالص خود و مدد گرفتن از خدا و اهل بیت به تربیت آن ها اهتمام ورزیدند که همه آنها هم اکنون در لباس مقدس روحانیت مشغول سربازی امام زمان علیه السلام هستند.

لازمه یک تربیت صحیح این است که از بدو تولد شروع کنیم. اگر ما به وظیفه خود عمل کنیم، خود اهلبیت علیهم السلام مسیر را درست می کنند. چه زیباست صحنه ای که یک مادر فرزند کوچک و شش ماهه خود را لباس عربی می پوشاند و به مجلس روضه اباعبد الله الحسین می برد. این کار بیش از همه چیز در تربیت خود فرزند و ایجاد محبت اهل بیت در قلب کوچکش مؤثر است.

روضه

باید به آن مادر گفت که نباید نگران چیزی باشد، چرا که

ص: ۷۲

فرزندش در آغوش گرم مادر است و مردم با نگاه محبت او را نظاره می کنند. می گویند خدا او را به مادرش بیخشد، اما وقتی کوفیان فرزند شش ماهه امام حسین علیه السلام را روی دست حضرت دیدند، نه تنها دلشان به رحم نیامد، بلکه تیر سه پر به حلقوم کوچک علی اصغر تشنه لب زدند.

ای اهل کوفه رحمی این طفل جان ندارد

خواهد که آب گوید اما زبان ندارد

هنگام گریه کوشد تا اشک خود بنوشد

اشکی که لب کند تر دور دهان ندارد

الا لعنه الله على القوم الظالمين....

ص: ۷۳

انگیزه سازی

مردی خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام وارد شد، در حالی که شاد و مسرور بود. حضرت فرمود: به چه علت تو را شاد می بینم؟ عرض کرد: ای پسر پیامبر! از پدر بزرگوارت شنیدم که می فرمود: بهترین روزی که سزاوار است بنده خدا در آن روز شاد باشد، روزیست که توفیق خدمت و کمک و دستگیری از برادران مؤمن نصیب او گردد.

امروز ده نفر از برادران فقیر و عائله مندم از فلان شهر و فلان شهر به قصد من آمدند و من به هر کدام از آن ها بخششی کردم؛ از آن جهت خوشحالم. حضرت فرمود: به جان خودم سوگند! تو شایسته این شادی هستی، اگر آن انفاقت را نابود نکرده باشی یا

آینده آن را از بین نبری. آن مرد عرض کرد: چگونه آن را از بین ببرم و حال آنکه من از شیعیان خالص شما هستم؟ حضرت فرمود: احسانی که در حق برادران مؤمنت روا داشتی، باطل ساختی. عرض کرد چگونه باطل شد؟

فرمود: آیه قرآن را بخوان: یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الأذی. (۱) عرض کرد: ای پسر پیامبر! من بدانها که خدمت و نیکی کردم نه منت گذاشتم و نه آزار دادم. حضرت فرمود:

خداوند می فرماید: صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید و نفرموده است با منت گزاردن بر آن ها که در حقشان خوبی کردید یا آزرده آن ها، بلکه هر گونه آزردهی باعث تباه شدن آن احسانست، تو فکر می کنی آن جمعیتی که به آن ها خوبی کردی آزارشان مهمتر است یا آزردهن فرشتگان محافظ تو و فرشتگان مقربی که دور و بر تو هستند یا آزردهن ما؟ آن مرد عرض کرد: این آزار بزرگتر و مهم تر است. حضرت فرمود: بنا بر این هم مرا آزردهی و هم فرشتگان را و صدقه خود را تباه ساختی.

عرض کرد: چرا؟ فرمود: به سبب همین که گفتی: من از شیعیان خالص شمایم! سپس فرمود: وای بر تو! می دانی شیعه خالص ما کیست؟ عرض کرد نه. فرمود: شیعه خالص ما حزیل مؤمن، همان مؤمن آل فرعون و صاحب یس است، که خداوند متعال درباره اش می فرماید: مردی شتابان از دورترین نقاط شهر (انطاکیه) فرا رسید، و همچنین سلمان و ابوذر و مقداد و عمار

ص: ۷۶

از شیعیان ما هستند، و تو خود را با این افراد برابر دانستی! در این صورت آیا ما و فرشتگان را آزار ندادی؟ آن مرد عرض کرد: طلب آمرزش می‌کنم از خدا و توبه می‌کنم. حالا چه بگویم؟

فرمود: بگو من از وابستگان و دوستان شما، دشمن دشمنانتان و دوست دوستانتان هستم. آن مرد عرض کرد: پس چنین می‌گویم و چنین نیز هستم و از سخنی که شما و فرشتگان نپذیرفتید، توبه کردم، چون می‌دانم نپذیرفتن شما بدان جهت است که خداوند نپذیرفته است. حضرت جواد علیه السلام فرمود: (چون توبه کردی) ثواب صدقات و احسانی که به برادرانت نمودی بازگشت و نابودی آن‌ها رفت. (۱)

اقناع سازی

«شیعه» را بدان جهت شیعه می‌گویند که بر اثر پیروی گروهی از صاحب مکتبی، آن مکتب شیوع و گسترش پیدا می‌کند. (۲)

بنابراین پیروی و اطاعت از لوازم قطعی شیعه می‌باشد. حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن می‌فرماید:

«فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۳)

پیرو ابراهیم خلیل علیه السلام کسی است که او را اُسوه خویش بداند و به دستورهای وی عمل کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ» (۴)

ص: ۷۷

۱- شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام (ترجمه جلد ۶۵ بحار الأنوار)، ص ۲۱۷.

۲- تسنیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۵۴۱.

۳- ابراهیم/۳۶.

۴- ممتحنه/۴.

یکی از وظایف پیروان ابراهیم علیه السلام قیام بر ضد طاغوتیان و بیزاری از باورهای مشرکان است، بنابراین همان گونه که در بخش «تولّی» در مناسک حج از آن حضرت پیروی می کنند، در قسمت «تبری» نیز باید به آن حضرت اقتدا کنند و از طاغوتیان و مشرکان برائت جویند. (۱)

به این مثال دقت کنید:

گاهی صف های نماز جماعت آنقدر طولانی می شود که دیگر نمی توان امام جماعت را دید، مانند رواق امام در حرم امام رضا علیه السلام و یا شبستان حضرت معصومه علیها السلام. کسی که تازه رسیده و می خواهد به نماز جماعت متصل شود، امام جماعت را نمی بیند، ولی از حرکات مأمومین به حرکات امام جماعت پی می برد؛ یعنی، از رکوع مأمومین متوجه می شود که امام جماعت در رکوع است، چون مأموم از امام جماعت تبعیت می کند. سؤال اینجاست: آیا ظاهر ما، رفتار و کردار ما به گونه ای هست که اگر یک مسیحی یا یهودی یا ... ما را دید، رفتار امام ما را بشناسد؟

پرورش احساس

عبدالله بن ابی یعفر به امام صادق علیه السلام عرضه داشت:

«والله لو فلقت رمانه بنصفین فقلت هذا حرام وهذا حلال لشهدت ان الذی قلت حلال، حلال؛ وان الذی قلت حرام، حرام؛ فقال: رحمک الله، رحمک الله.» (۲)

ص: ۷۸

۱- . تسنیم، ج ۱۴، ص ۵۴۲.

۲- . رجال کشی، ص ۲۴۹.

سوگند به خدا! اگر اناری را از وسط دو نصف کنی و بفرمایی که نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئناً گواهی خواهم داد که آنچه را گفתי حلال، حلال است و آن نصفی را که فرمودی حرام، حرام است [و هیچگونه چون و چرا نخواهم کرد]. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند.

مقام این شیعه در نزد اهل بیت آن چنان رفیع بود که وقتی امام صادق علیه السلام خبر مرگ او را شنیدند، چنان گریه می کردند که شانه های مبارکشان می لرزید، بعد فرمودند: خدا «عبدالله بن ابی یعفور» را رحمت کند، به محض ورودش به عالم دیگر، خدا جایی به او می دهد که یک طرف آن به خانه پیغمبر صلی الله علیه و آله و یک طرف به خانه جدم امیرالمؤمنین علیه السلام و یک طرف به خانه عمویم امام مجتبی علیه السلام و یک طرف به خانه جدم حضرت سید الشهداء علیه السلام وصل است. ملاک این مقام، پاکی، معرفت و کرامت نفس او بوده است. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: «يَا مَعْشَرَ الشِّيْعَةِ وَاللَّهِ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ وَلَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَلَا نَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا لِلَّهِ تَنَفَعَهُ وَلَا يَتُّنَّا وَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِيًا لِلَّهِ لَمْ تَنْفَعُهُ وَلَا يَتُّنَّا وَيَحْكُمُ لَنَا تَعْتَرُوا وَيَحْكُمُ لَنَا تَعْتَرُوا.» (۲)

ای گروه شیعه! به خدا ما از جانب خدا براتی نداریم، و میان ما و خدا قرابتی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت به سوی خدا تقرب نجوئیم، پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد،

ص: ۷۹

۱- من لایحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۶، ص ۳۹۳.

۲- کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۱۹۳.

دوستی ما سودش دهد و هر کس از شما نافرمانی خدا کند، دوستی ما سودش ندهد. وای بر شما! مبادا فریفته شوید. وای بر شما! مبادا فریفته شوید.

رفتار سازی

یکی از موارد اطاعت و ولایت پذیری از اهل بیت، اصلی است که متأسفانه به خاطر زیر پا گذاشتن و عمل نکردن به آن هر روز صدها نفر از برادران و خواهران شیعه ما به طرز ناجوانمردانه ای به شهادت می رسند و ترور می شوند؛ اصل تقیه. آیا آن هایی که این واجب مسلم اسلام را زیر پا گذاشته اند، در ریختن خون این انسان های بی گناه شریک نیستند؟ اصلی که وجود نازنین پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: جزء دین من و دین اجداد من بوده. (۱)

اصلی که عامل حفظ دین اسلام و مذهب تشیع می باشد و متأسفانه عده ای خودخواه و کج فهم به خاطر رعایت نکردن آن ضربات جبران ناپذیری به مذهب تشیع وارد کرده اند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «التَّقِيَةُ مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ يَصُونَ بِهَا نَفْسَهُ وَ إِخْوَانَهُ عَنِ الْفَاجِرِينَ.» (۲)

در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: مؤمن در هر حال مجاهد است، زیرا او در دولت باطل به وسیله تقیه با دشمنان خدا می جنگد، و در دولت حق به وسیله اسلحه. (۳)

ص: ۸۰

۱- . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۰.

۲- . جامع الاخبار، ص ۹۴.

۳- . وسائل، ج ۱۱، ص ۴۶۴.

تقیه به معنای کتمان عقیده ی حق، به خاطر ترس از آزار مخالفان است. به عبارت دیگر، حفظ و اخفاء عقیده و کنار آمدن موقت با دشمنان دست دوم برای مبارزه با دشمنان دست اول که گاهی واجب و در مواردی حرام است. تقیه به معنای ارتداد، ضعف و ترس، عقب نشینی، خودباختگی، تسلیم و ... نیست؛ بلکه یک نوع تاکتیک و شیوه مبارزه برای حفظ نیروها و برنامه های اساسی است.

مگر نه اینکه ما باید مطیع اوامر اهل بیت باشیم؟ مگر نه اینکه به گفته امام صادق ولی فقیه حرفش حرف امام زمان است؟^(۱) تقیه در هر زمان مصداقی دارد و از جمله مصادیق تقیه در زمان ما، خودداری از لعن خلفا است که مراجع و در رأس آنان ولی فقیه این کار را جایز نمی دانند. آیا اگر ما برای شادی دلیمان خلفا را در ملأ عام لعن کردیم و بین مسلمانان اختلاف انداختیم و باعث

ص: ۸۱

۱- . عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام در باره دو مرد از خودمان پرسش کردم که چون در چیزی با یک دیگر اختلاف داشته باشند برای قضاوت به سلطان (حاکم جابر) یا قاضی های او رجوع کنند، آیا این کار جایز است یا نه؟ گفت: هر کس دعوی حق یا باطلی را نزد ایشان اقامه کند، چنان است که نزد جبت و طاغوت- که از مراجعه به آن ها نهی شده- مراجعه کرده باشد. گفتم: پس اختلاف میان خودشان را چگونه حل کنند؟ گفت: در میان افراد خود نگاه کنند و کسی را بیابند که حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و از احکام ما با خبر است، او را به داوری برگزینند، که من چنین کسی را بر شما حاکم و داور قرار می دهم. و چون (چنین کسی) حکم کند و از او نپذیرد، چنان است که حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده باشد و آنکه ما را رد کند همچون کسی است که خدا را رد کرده باشد، و در مرز شرک به خدا قرار دارد ... بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۶۲.

ریختن خون عده ای از شیعیان بی گناه شدیم، باعث خوشنودی اهل بیت می شویم یا خشم اهل بیت؟

روضه

باید دقت کنیم، طوری عمل نکنیم که خدای ناکرده نفاق در دلمان ایجاد شود و امام زمان را تنها بگذاریم. در برهه ای از زمان مردمی بودند که امام زمانشان را دعوت کردند، اما چه کردند؟ سفیرش را در کوفه کشتند و خودش را در کربلا.

و از همه سخت تر، عزیزانش را جلوی چشمانش کشتند. یکی از این صحنه های سخت، به زمین افتادن حضرت علی اکبر علیه السلام است؛ آن هنگامی که صدای ناله علی اکبرش را شنید و سریع خودش را به بدن قطعه قطعه علی اکبر رساند:

لاله اش را دید پرپر روی خاک

قطعه قطعه ریز ریز و چاک چاک

داد از کف طاقت و از پا فتاد

صورتش بر صورت اکبر نهاد

«وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ وَقَالَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوا مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَىٰ انْتِهَائِكَ حُزْمَةَ الرَّسُولِ.» صورت به صورت غرق خون علی گذاشت و صدازد «ولدی علی الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءُ.»^(۱)

کس ندیده است که از تیغ هزاران جلاد

این همه زخم رسد بر تن پاکت پسر

ص: ۸۲

۱- . غم نامه کربلا، ص ۱۳۹ و موسوعه امام حسین علیه السلام، باب جهاد اکبر، ج ۴، ص ۶.

پاره های تنت افتاده به هر سو گویی
برگ گل ریخته در دامن گلشن پسر
داغ مرگ پسرش را به دلش بگذارند
آن که بگذاشته داغ به دل من پسر

یا حسین ...

ص: ۸۳

انگیزه سازی

یکی از رفقا می گفت: بعد از چند سالی که آرزوی زیارت مدینه را در سر می پروراندم و برای زیارت نقشه ها کشیده بودم، بالاخره خدا اجابت کرد و راهی شدم. چه فکرها می کردم! می گفتم: اگر بقیع بروم چه می کنم! اگر به کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بروم این حرف ها را می زنم... کنار خانه بی بی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام عقده گشایی می کنم... خلاصه با هزار آرزو وارد مدینه شدم.

رفتم حرم آقا رسول صلی الله علیه و آله؛ رفتم کنار ضریح؛ همین که دست بردم به طرف ضریح، ناگهان کسی محکم زد پشت سرم و بلند گفت: روح روح! و مرا انداخت کنار. گفتم: ای بابا! خواستیم ضریح

آقا را ببوسیم. با خودم گفتم: اشکالی ندارد، می روم کنار خانه بی بی زیارت می خوانم و دلی از عزا در می آورم. رفتم و شروع کردم به ذکر گفتن تا حضور قلب پیدا کنم و حس بگیرم. همین که شروع کردم به مناجات با بی بی، و اشک ریختن. دیدم بین زمین و آسمانم! چنان با لگد زده بود که چند متر پرت شده بودم آن طرف تر. خلاصه هر کجا خواستم عرض ارادت کنم نشد؛ نه بقیع و نه هیچ جای دیگر.

پی گیر که شدم، فهمیدم این ها اصلا زیارت و تبرک کردن را قبول ندارند و آن را مرده پرستی می دانند، حتی زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را هم قبول ندارند؛ بوسیدن ضریح را هم شرک می دانند؛ تبرک را هم جزء انحرافات شیعه می دانند؛ و اصلا به خاطر همین عقاید، خون شیعه را حلال می دانند. آیا واقعا شیعه برای این عقاید دلیل متقن و محکمی دارد؟

اقناع اندیشه

وقتی از وهابی ها دلیل می خواهیم، قرآن تلاوت می کنند:

«إِنَّكَ لَأَتَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (۱)

بی شک، نمی توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی توانی کران را آنگاه که روی برمی گردانند و پشت می کنند، فراخوانی.

«وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ» (۲)

ص: ۸۶

۱- . نمل / ۸۰.

۲- . توبه / ۸۴.

اما جواب آیه اول:

در تفسیر نمونه می خوانیم:

فرقه ی وهابیون، آیه ی «أَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى» را دستاویز تفکر انحرافی خود قرار داده، می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از دنیا رفته و هیچ سخنی را نمی شنود، بنابراین معنا ندارد که ما پیامبر را زیارت کنیم و خطاب به او مطالبی را بیان کنیم.

پاسخ فرقه ی مذکور این است که آیه در مقام یک تشبیه اجمالی است؛ نظیر تشبیه قلب سنگدلان به سنگ در تأثیر ناپذیری، «قلوبکم ... کالحجاره» نه این که قلب آنان در همه چیز مثل سنگ است؛ زیرا قرآن، حیات برزخی را درباره ی شهدا پذیرفته و نسبت به آن، روایاتی از شیعه و سنی نقل شده است:

محمد بن عبدالوهاب در کتاب الهدیه السّنیّه، ص ۴۱ می گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله بعد از وفاتش دارای حیات برزخی، برتر از حیات شهداست و سلام کسانی را که به او سلام می دهند، می شنود. (۱)

در صحیح بخاری می خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه وآله با کفار هلاک شده جنگ بدر گفتگو می کرد و همین که مورد سؤال عمر قرار گرفت، فرمود: «والذی نفس محمد بیده ما اتم باسمع» به خدایی که جانم در دست اوست، شما از آنان شنواتر نیستید. (۲)

اما آیه دوم:

صریح آیه مذکوره دلالت بر آن دارد که نماز بر جنازه کفار

ص: ۸۷

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۳.

۲- . صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹۷.

مطلقاً جایز نیست، چرا که در ادامه آیه می فرماید: انهم كفروا بالله ورسوله؛ زیرا می گوید اگر کافر بودند نماز نخوان، و در ضمن می فهماند اگر مسلمان بود، نماز میت واجبست. و در قول او (وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ) نیز منظور کافران است، والا جایز است بلکه مستحب، ایستادن بر قبر مؤمنان و دعا کردن برای ایشان و زیارت ایشان، و ثابت شده به روایات صحیحه که در این باب اجر جزیل است.

از آن طرف خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا».(۱)

«جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» زیارت رهبران آسمانی و استمداد و توسل از طریق آن عزیزان، مورد تأیید قرآن است.

شاید به ذهن برسد که این مباحث در مورد حیات بزرگان علیهم السلام است نه ممات، اجازه بدهید چند روایت از اهل سنت ذکر کنیم تا مشخص گردد.

علامه امینی احادیث زیارت را جمع آوری نموده که به بعضی از آن ها اشاره می گردد:(۲)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من زار قبری وجبت له شفاعتی.»

ص: ۸۸

۱- . نساء/۶۴.

۲- . الغدير، ج ۹، باب ترغیب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله.

این حدیث را ۴۱ تن از حفاظ حدیث اهل سنت از جمله ابن خزیم، دارقطنی، سیوطی و ابن عساکر نقل نموده اند.

و همچنین روایت عبدالله بن عمر: «من زار قبری كنت له شفیعاً و من مات فی احد الحرمین بعثه الله عزوجل فی الامنین یوم القیامه؛ هر کس قبر مرا زیارت کند شفیع او خواهم بود و هر کس در یکی از حرمین مکه و مدینه بمیرد، روز قیامت در امان خواهد بود.» این حدیث را یازده تن از جمله بیهقی، ابن عساکر، سبکی و سمهودی نقل کرده اند.

برای زیارت قبور اهل بیت نیز روایات زیادی داریم که از حد تواتر بیشتر است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، هَلْ يُزَارُ وَالِدُكَ فَقَالَ نَعَمْ وَ يُصَلَّى عِنْدَهُ وَ قَالَ يُصَلِّي خَلْفَهُ وَ لَمَّا يُتَقَدَّمُ عَلَيْهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ أَتَاهُ، قَالَ الْجَنَّةُ إِنْ كَانَ يَأْتِي بِهَا قَالَ فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ قَالَ الْحَسِيرَةُ يَوْمَ الْحَسِيرَةِ. (۱)

شخصی نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟ حضرت فرمودند: بلی، علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می توان خواند؛ منتهی نماز را باید پشت قبر به جا آورد نه جلو آن. آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه اجری دارد؟ حضرت فرمودند: اجر او بهشت است، مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت کند. عرض

ص: ۸۹

کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند، چه خواهد دید؟ حضرت فرمودند: روز قیامت حسرت خواهد خورد.

پرورش احساس

حضرت آیه الله مرعشی نجفی رضوان الله تعالی علیه چنین فرمودند: آقای حائری (۱) از دنیا رفت، شب اول قبرش نماز ليله الدفن خواندم و یک سوره یاسین هم قرائت نمودم. بعد از چند روز به خوابم آمد. پرسیدم: آقای حائری اوضاع چطور است؟ یادم بود که از دنیا رفته اند. گفت: وقتی از بسیاری مسائل گذشتیم و بدنمان را وارد قبر کردند، روح من مثل لباسی که از تن درآوری از بدنم جدا شد، به طوری که بدنم را می دیدم. در حالت بهت و حیرت نشسته بودم. ناگهان متوجه شدم از طرف پایین پایم صدایی بلند شد، نگاه کردم و دیدم دو نفر که همه وجودشان آتش است، به سمت من می آیند. چشم هایشان تشخیص داده نمی شد، ولی می فهمیدم که دو نفر هستند. ترس وجودم را فرا گرفت.

در همان جا در حالت بی کسی و غربت به خدا توجه کردم. در این هنگام متوجه صدایی از بالای سرم شدم. دیدم نوری به طرف من می آید. هر چه این نور بیشتر به طرف من می آمد، آن دو نفر آتشین عقب تر می رفتند. این کار ادامه داشت تا حدی که از آن دو نفر اثری نماند.

ص: ۹۰

۱- حضرت آیه الله مرتضی حائری فرزند شیخ عبدالکریم.

بالای سرم آقای نورانی را دیدم که تبسمی به لب داشت. گفت: آقای حائری ترسیدی؟

گفتم: بله آقا! چه ترسی! شما چه کسی هستید؟ آقا فرمودند: من علی بن موسی الرضا هستم، آقای حائری شما ۳۸ مرتبه به زیارت من آمدید. ۳۸ بار به بازدیدت می آیم، این اولینش است، ۳۷ بار دیگر نیز می آیم.

نقل شده است آقای حائری در آخرین سفرشان به مشهد حضرت رضا علیه السلام را در خواب یا بیداری دیده و حضرت به ایشان فرموده بودند: تو دیگر نیا، اکنون نوبت آمدن من نزد تو است. ایشان از همین موضوع، دریافته بود که عمرش به پایان رسیده است. (۱)

باید همه به روی شما رو بیاورند

دل ها به لب نوای هو الهو بیاورند

باید که جن و انس تمام ملائکه

ایمان به دست ضامن آهو بیاورند

با تار موی شما که برابر نمی شود

گیرم هزار خرمن گیسو بیاورند

خسته شکسته ام و به سختی رسیده ام

پشت درم بگو که مرا تو بیاورند

در سفره هرچه می رسد از سمت مشهد است

آری هر آنچه هست از آن سو بیاورند

ص: ۹۱

روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله در خانه فاطمه علیها السلام بود و علی و حسن و حسین علیهم السلام نیز نزد آن حضرت بودند و جمعی سراسر شادی و خوشحالی داشتند. در این هنگام جبرئیل امین فرود آمد و گفت: «ای محمد! خداوند سلامت می رساند و می گوید: آیا از اینکه در دنیا با اهل بیت خود گرد آمده ای، خوشحالی؟

گفت: آری، و خدا را بر این اجتماع سپاس می گزارم.

جبرئیل گفت: خدای تعالی می فرماید: اینان کشته می شوند و قبرهاشان متفرق و پراکنده می گردد.

پیامبر صلی الله علیه وآله گریست و علی علیه السلام به آن حضرت گفت: چرا می گریید، ای رسول خدا؟

فرمود: ای علی! این جبرئیل است که از آینده شما به من خبر می دهد که کشته می شوید و قبرهاتان پراکنده می گردد.

علی علیه السلام گفت: ستایش خدای را به خاطر مصیبت هایی که به ما اختصاص داده است. ای رسول خدا! ثواب کسی که ما را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، چیست؟

فرمود: هر که من یا تو، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، **كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛** همچون کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده و خداوند ثواب جهادگران در راه خدا را برایش خواهد نوشت. (۱)

ص: ۹۲

پس زیارت ائمه معصومین علیهم السلام را در برنامه زندگی خود بگنجانیم که برکات زیادی دارد. دنبال حرف شیطان هم نرویم که "پولش را نداری". آیت الله بهجت رضوان الله تعالی علیه می فرمودند: توفیق زیارت ربطی به پول ندارد. (۱)

البته امام صادق علیه السلام در روایتی راه کسب توفیق زیارت را بیان می کنند: کسی که سوره حج را در هر سه روز قرائت کند، از آن سال خارج نمی شود، مگر این که به سوی مکه معظمه خارج می شود و اگر در آن سفر از دنیا برود خداوند او را داخل در بهشت می کند. (۲)

نکته آخر: اگر انسان بخواهد کاملاً به عهد و پیمانش نسبت به هر کدام از ائمه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و بداند که هر کس با میل و رغبت به زیارتشان رود و مکتب آنان را تصدیق نماید، مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می گیرد: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حَسَنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أُمَّتَهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (۳)

روضه

می خواهم این طور بگویم: خیلی دوست داریم به زیارت

ص: ۹۳

۱- در محضر خوبان.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۱۳۵ و مجمع البیان طبرسی، ج ۷، ص ۱۰۹.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۰.

مادرمان زهرا علیها السلام برویم و با ایشان درد دل کنیم، اما آن‌ها که مدینه رفته‌اند می‌گویند زهرا علیها السلام قبر ندارد. باید برای غربتش گریه کنیم. انشاء الله امام زمان بیاید و قبر مخفی مادرش را نشان دهد.

چشم انتظاریم مهدی بیاید تا تربت را پیدا نماید

ص: ۹۴

انگیزه سازی

یکی از شبهاتی که امروزه زیاد شنیده می شود، شبهه توسل به اهل بیت علیهم السلام است. خصوصا عزیزانی که به حج مشرف شده اند، یکی از حرف هایی که در قبرستان بقیع زیاد شنیده اند اینست که توسل به این چهار امام بزرگوار مرده پرستی است و بنا بر صریح آیه قرآن شرک است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^(۱).

وهابیون می گویند: طبق صریح این آیات، حاجت خواستن از غیر خدا که همان توسل شیعیان است، شرک محسوب شده و مورد پذیرش خدا نیست.

ص: ۹۵

اشتباه بزرگ و هتایبیت این است که تصور می کنند مفهوم توسل به اولیاء الله این است که آنها را مستقلاً سرچشمه قضای حاجات و دفع کربات می دانند، در حالی که معنای توسل این نیست. آیاتی که وهابیت به آن توسل بسته اند آیاتی است که درباره عبادت است، در حالی که هیچ کس اولیاء الله را عبادت نمی کند.

ما وقتی به پیغمبر اکرم متوسل می شویم، آیا پیغمبر را عبادت می کنیم؟

به هر حال باید در ابتدای بحث روشن شود که توسل به اولیاء الله، عبادت و پرستش آن ها نیست، بلکه آن ها در پیشگاه خدا برای کسی که به آنها متوسل شده، شفاعت می کنند.

درست مثل این است که من بخواهم به خانه شخص بزرگی بروم و آبرویی پیش او نداشته باشم. از شخصی که مرا می شناسد و با آن شخص بزرگ آشناست، خواهش می کنم که من همراه تو نزد او می آیم، تو مرا به او معرفی کن و در نزد او برای من شفاعت نما. این کار نه عبودیت است و نه استقلال در تأثیر.

اقناع اندیشه

در قرآن مجید خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۱)

مخاطب در این آیه همه افراد با ایمانند. در این جا سه دستور

ص: ۹۶

داده شده است: اول دستور به تقوا، دوم دستور به انتخاب وسیله، وسیله ای که ما را به خدا نزدیک کند، و سوم دستور به جهاد در راه خداوند. در نهایت، نتیجه همان چیزی است که در آخر آیه آمده است: لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ این باعث فلاح و رستگاری شماست. اگر توسل کردن اشکالی داشت، خداوند در قرآن به توسل سفارش نمی نمود.

بر همین اساس بزرگان اهل سنت نیز اهل توسل بودند، چرا که ابن حجر مکی در صواعق از امام شافعی پیشوای معروف اهل سنت نقل می کند که شافعی به اهل بیت پیغمبر توسل می جست و این شعر معروف را از او نقل می کند:

آل النبی ذریعتی

و هم الیه وسیلتی

ارجوا بهم اعطی غداً

بید الیمین صحیفتی

خاندان پیغمبر اکرم وسیله من هستند، آن ها در پیشگاه او سبب تقرب من می باشند، امیدوارم فردای قیامت به سبب آن ها نامه اعمال من به دست راست من سپرده شود. (۱)

در قرآن هم به همین مطلب اشاره شده است که برخی از بندگان خدا نزد او آبرومند هستند و همین مطلب دستمایه ای برای توسل به خوبان و دعا کردن و طلب حاجت کردن از خداوند است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً» (۲)

ص: ۹۷

۱- . التوصل إلى حقيقة التوسل، ص ۳۲۹.

۲- . احزاب/۶۹.

ما شیعیان نیز اهل بیت که نزد خدا آبرومند، می دانیم و می گوئیم: یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله. (۱)

در بسیاری از روایات بحث توسل خصوصا توسل به پیامبر ذکر شده است. این توسل مربوط به زمان قبل از تولد، دوران کودکی، دوران پیامبری و بعد از رحلت پیامبر است. در حال که وهابیت معتقد است که توسل به پیامبر بعد از وفاتش هیچ فایده ای ندارد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: هنگامی که آدم مرتکب خطا شد، عرض کرد: «یا رَبِّ! اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي»؛ خداوند عالم فرمود: تو محمد را از کجا شناختی، در حالی که هنوز او را نیافریده ام؟

آدم عرض کرد: پروردگارا! این به سبب آن است که وقتی مرا آفریدی و از روح خود در من دمیدی، سرم را بلند کرده و دیدم این جمله بر پایه های عرش نوشته شده است: «لا إله إلا الله، محمد رسول الله». از این عبارت فهمیدم که تو نام محمد را به نام خود اضافه نمی کنی، مگر به این دلیل که محبوب ترین خلاق نزد توست. خداوند خطاب کرد: آدم راست گفتی. «انه لَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ ادعوني بحقه فقد غفرت لك» (۲)

در این داستان خداوند به آدم را راهنمایی کرد که او را به نام محمد قسم دهد و به او توسل کند. خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم به مردم همین دستور را می دادند و می فرمودند: به من توسل کنید و از خدا حاجت بخواهید.

ص: ۹۸

۱- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۶۱۵.

مرد نابینایی خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! از خدا بخواه که مرا شفا دهد و چشمم را به من بازگرداند.

پیغمبر به او دستور داد وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتُقْضَى، اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِيَّ.»

عثمان بن عمیر راوی این حدیث می گوید: ما در همان مجلس نشسته بودیم، مدتی گذشت، دیدیم مرد نابینا وارد مجلس شد، در حالی که هیچ آثاری از نابینایی در او نبود و چشمش روشن بود. (۱)

پرورش احساس

سیره رزمندگان ما در جبهه های حق علیه باطل نیز همین مسئله توسل بود و در تمام عملیات ها و سختی ها شهدا با توسل به اهل بیت نبرد را پیش می بردند و از اسلام دفاع می کردند.

سی، چهل متر مانده بود برسیم به موانع، دشمن منور زد، آن هم درست بالای سر ما! صحنه نابرابری درست شد؛ آن ها توی یک دژ محکم، پشت موانع و پشت خاکریز بودند، ما توی یک دشت صاف. حدود یک ربع تا بیست دقیقه، آتش، شدید بود. رفته رفته قطع شد. اگر بوی عملیات به مشام دشمن می رسید، به این راحتی ها دست بردار نبود.

ص: ۹۹

به حالت سینه خیز رفتم جایی که عبدالحسین بود. به نظر می آمد خواب باشد. همان طور که به سینه دراز کشیده بود، پیشانی اش را گذاشته بود پشت دستش و تکان نمی خورد.

گفتم: انگار نمی خواهی برگردی حاجی؟

چیزی نگفت. چند لحظه ای ساکت ماند. جور خاصی که انگار بخواهد گریه اش بگیرد، گفت: من هم عقلم به جایی نمی رسد.

دقیقاً یادم هست همان جا صورتش را گذاشت روی خاک های نرم و رملی کوشک. حدود ده دقیقه گذشت. هیچ نمی گفت. بالأخره عبدالحسین به حرف آمد، مثل کسی که شدید گریه کرده باشد.

گفت: هر چی که می گویم دقیقاً همان کار را بکن؛ به سمت راستش اشاره کرد و ادامه داد: سر ستون که رسیدی، برمی گردی سمت راست، بیست و پنج قدم می شماری.

بیست و پنج قدم که شمردی و تموم شد، همان جا یک علامت بگذار، بعد برگرد و بچه ها را پشت سر خودت ببر آن جا.

وقتی به آن علامت که سر بیست و پنج قدم گذاشته بودی، رسیدی؛ این دفعه رو به عمق دشمن، چهل متر می روی جلو. آن جا خودم به بچه ها می گویم چه کار کنند.

لحنش جدی بود و قاطع. چاره ای جز انجام دستور نداشتم.

با کمک فرمانده گروهان ها و فرمانده دسته ها، گردان را حدود همان چهل متر، بردم جلو. عبدالحسین گفت: به محض این که من گفتم الله اکبر، شما رد انگشت من را می گیری و شلیک می کنی

به همان طرف.

عبدالحسین سرش را بلند کرد رو به آسمان. دعایی هم زیر لب خواند. صدای نعره اش رفت به آسمان؛ الله اکبر! دشمن قبل از اینکه به خودش بیاید، تار و مار شد.

اذان صبح بود. نماز را که خواندیم، از فرط خستگی، هر کس گوشه ای خوابید. من هم کنار عبدالحسین دراز کشیدم.

عبدالحسین داشت بلند می شد، گفتم: راستش جریان دیشب برایم خیلی سؤال شده. پرسید: کدام جریان؟

ناراحت گفتم: خودت را به آن راه نزن، این «بیست و پنج قدم به راست و چهل متر به جلو»، جریانش چی بود.

گفت: برای این جور سؤال و جواب ها وقت زیاد داریم. گفتم: نه، همین حالا باید بدانم موضوع چی بود.

یک دفعه چشم هایش خیس اشک شد. با لحن غمناکی گفت: موقعی که عملیات لو رفت و توی آن شرایط گیر افتادیم، حسابی قطع امید کردم. مثل همیشه، تنها راه امیدی که باقی مانده بود، توسل به واسطه های فیض الهی بود. توی همان حال و هوا، صورتم را گذاشتم روی خاک ها و متوسل شدم به وجود مقدس خانم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

چشمهایم را بستم و چند دقیقه ای با حضرت راز و نیاز کردم. در همان اوضاع، یکدفعه صدای خانمی به گوشم رسید؛ صدایی ملکوتی که هزار جان تازه به آدم می بخشید. به من فرمودند: فرمانده!

ص: ۱۰۱

یعنی آن خانم، به همین لفظ فرمانده صدایم زدند و فرمودند: این طور وقت ها که به ما متوسل می شوید، ما هم از شما دستگیری می کنیم، ناراحت نباش.

چیزهایی که دیشب به تو گفتم، که برو سمت راست و برو کجا، همه اش از طرف همان خانم بود. (۱)

رفتار سازی

عالم بزرگوار حضرت آیت الله بهجت می فرمود: اشک برسیدالشهدا از نماز شب هم بالاتر می باشد. ایشان حتی ۵۰ سال روزه هفتگی داشتند که الان هم توسط شاگردانش ادامه دارد. (۲) و زیارت عاشورای ایشان با صد لعن و صد سلام ترک نشد. شما زندگی نامه علامه قاضی که استاد خیلی از عرفا بوده را ببینید، ایشان فرمودند: هر هفته روزه خانگی داشته باشید. (۳)

امام زمان ما هر روز توسل دارند، همینطور که در زیارت ناحیه مقدسه فرمودند: جدغریبم! هر صبح و شام برای شما گریه می کنم. اگر اشکم خشک شود برای شما خون گریه می کنم. (۴)

مردم عزیز! ما باید در لحظه لحظه زندگی اهل توسل باشیم. سعی کنیم روزی یکبار، هفته ای یکبار، ماهی یکبار عرض توسلی داشته باشیم. مهم این است که ما اهل توسل باشیم. چه کارپسندیده ایست

ص: ۱۰۲

۱- . خاک های نرم کوشک،

۲- . به نقل از فرزند ایشان حجت الاسلام علی آقابهجت.

۳- . وصیت نامه علامه قاضی (ره).

۴- . زیارت ناحیه مقدسه در کتاب مزار الکبیرابن مشهدی.

که ما هر روز توسل داشته باشیم و سلامی به اهل بیت علیهم السلام بدهیم.

روضه

بگذارید امشب ما هم سلامی بدهیم و توسلمان را با سلام شروع کنیم. عرض ادبی به مادر سادات داشته باشیم: السلام عليك يا فاطمه الزهرا يا بنت رسول الله يا قره عين الرسول و رحمه الله و برکاته.

محبان فاطمه زهرا! نوشته اند: «ما زالتْ بَعْدَ ابيها مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ، نَاحِلَةَ الْجِسْمِ، بَاكِئَةَ الْعَيْنِ، مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ». ندیدند که زهرا علیها السلام بعد از پدر عصابه ای را که به سر بسته بود، از سر باز کند. روز به روز لاغرتر و ناتوانتر می شد و بعد از پدر همیشه زهرا را با چشمی گریان دیدند. «مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ» این جمله معنی عجیبی دارد. «رکن» یعنی پایه، مثل یک ساختمان که پایه هایی دارد و روی آن پایه ها ایستاده است. از نظر جسمانی، پا و ستون فقرات رکن انسان است، یعنی انسان که می ایستد روی این بنای استخوانی می ایستد. گاهی از نظر جسمی، این رکن خراب می شود، ولی گاهی انسان از نظر روحی آنچنان درهم کوبیده می شود که گویی آن پایه های روحی که روی آن ایستاده است خراب شده است.

بله محبین مادر سادات! پهلوی زهرا را شکستند، اما در جای دیگه هم سینه ای را شکستند؛ جایی که اسب ها را نعل تازه زدند و روی جسم ابی عبدالله تاختند و هشموا صدره و ظهره. (۱)

ص: ۱۰۳

انگیزه سازی

صدای کوبه در به گوش رسید و رایحه خوش نبی خدا خانه را پر کرد. شادی و شمع در چهره پیامبر صلی الله علیه وآله خودنمایی می کرد.

امیرالمومنین علیه السلام که خوشحالی پسر عمویش را دید، پرسید: یا رسول الله! چرا امروز خوشحالید؟ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: محبوب من! نور چشم من! آمده ام تا به تو بشارت دهم که جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: خدای سبحان بر تو سلام می رساند و می گوید برو به علی بشارت بده که شیعیان علی چه مطیع و چه معصیت کار، اهل بهشتند.

علی به سجده افتاد و دستان خود را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: همه ی عالمیان شاهد باشند که من نصف عباداتم را به شیعیانم هدیه کردم.

و حضرت زهرا از طرف دیگری آمدند و فرمودند: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسناتم را به شیعیانم هدیه نمودم.

لحظه ای بعد امام حسن علیه السلام سمت جدهش آمد و فرمود: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسناتم را به شیعیانم هدیه نمودم.

و بعد از برادر، میوه دل رسول خدا، امام حسین علیه السلام آمد و فرمود: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسناتم را به شیعیانم هدیه نمودم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: شما اهل بیت من که از من کریم تر نیستید، پس خدایا شاهد باش من هم نصف حسناتم را به شیعیان دادم.

جبرئیل نازل شد و فرمود: خداوند سبحان گفته است شما اهل بیت از من کریم تر نیستید؛ حتماً حتماً شیعیان شما را بخشیدم و شیعیان علی و دوستانشان اگر گناهایی به اندازه ی کف دریا و برگ درختان داشته باشند، آن ها را می بخشم. (۱)

اینچنین روایاتی باعث شده کسانی که شیعه را هم منکر هستند، به مقام ایشان اعتراف کنند.

اقناع اندیشه

اجازه بدهید از زبان برادران اهل سنت در باره مقام علی علیه السلام و شیعیان ایشان در قیامت صحبت کنیم که اقرار اغیار به این نکات خیلی شیرین تر و بااهمیت تر است و ما شیعیان را هم در مذهب

ص: ۱۰۶

۱- . منتخب التواریخ، ص ۸۰۲. البته باید توجه داشت که این روایت حق الناس را در بر نمی گیرد.

خودمان قوی تر می کند.

حافظ ابو نعیم اصفهانی احمد بن عبدالله که از اجله علمای عظام و محدثین فخام و محققین کرام اهل سنت می باشد، در کتاب معتبرش حلیه الاولیاء روایت می کند به اسناد خودش از ابن عباس که:

چون آیه ۸ و ۷ سوره بینه نازل گردید،

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷) جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله خطاب کرد به علی ابن ابیطالب و فرمود: یا علی هو انت و شیعتک تاتی انت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضین. (۱)

یا علی مراد از خیر البریه در آیه تویی و شیعیان تو. روز قیامت تو و شیعیان تو می آید، در حالتی که خداوند از شما راضی و شما هم از خداوند راضی و خشنود باشید.

و جلال الدین سیوطی که از مفاخر علمای اهل سنت است، در تفسیر خود در المنثور فی کتاب الله بالمأثور از خلکان و ایشان از جابر بن عبدالله انصاری نقل می نماید:

در خدمت رسول اکرم بودیم، علی علیه السلام وارد شد. پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

والذی نفسی بیده ان هذا و شیعتہ لهم الفائزون یوم القیامه

ص: ۱۰۷

۱- . شواهد التنزیل ج ۲، ص ۴۶۱ و فصول المهمه، ج ۲، ص ۱۱۶۶.

فَنزَلَ «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (۱)

این روایت با اسناد مختلف و مضامین مشابه و از لسان افراد گوناگون غیر شیعه، قطره ای از اقیانوس است، و کاملاً جایگاه ایشان را در قیامت محرز می کند.

پرورش احساس

اینست که باعث می شود رسول اکرم صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام بفرماید:

«مَثَلِكُ فِي أُمَّتِي مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ.»

مثل تو در امت من، مثل عیسی بن مریم است که قوم او سه فرقه شدند: فرقه ای مؤمنین و آن ها حواریون بودند؛ و فرقه دشمنان او و آن ها یهود بودند؛ و فرقه ای غلات که درباره آن جناب غلو نمودند (او را خدا و شریک خدا قرار دادند) و امت من هم درباره تو سه فرقه می شوند:

فرقه شیعتک و هم المؤمنون: فرقه ای شیعیان تو هستند و آن ها مؤمنین اند؛ و فرقه ای دشمنان تو هستند، و آن ها ناکثین و شکنندگان عهد و بیعت تو می باشند؛ و فرقه ای غلو کنندگان در باره تو می باشند و آنان جاحدین و گمراهانند. فانت یا علی و شیعتک فی الجنة و محبوا شیعتک فی الجنة و عدوک و الغالی فیک فی النار. (۲)

ص: ۱۰۸

۱- . در المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲- . مناقب خوارزمی، ص ۳۱۷.

اگر در خلق، حق را در نیابی

بیابی خانه اما در نیابی

نبی بیت الله و بابش علی دان

اگر از در نیایی در نیابی

در روز قیامت، گروهی سوار بر مرکب هایی از نور وارد صحرای محشر می شوند و با صدای بلند می گویند: «سپاس خداوندی را که وعده ای که به ما داد، راست بود و زمین را میراث ما قرار داد. اکنون در هر جا از بهشت که بخواهیم منزل می گزینیم.»

در این هنگام مردم می گویند: این ها پیامبران هستند، ولی از سوی خداوند متعال ندا می آید: «نه، اینها شیعیان علی بن ابیطالب هستند. آنان بندگان برگزیده و بهترین مخلوقات من هستند.»^(۱)

ای خوشا آن دل که عاشق می شود

در حریم شیعه لایق می شود

راه می یابد به خان حیدری

می نماید بر جهانی سروری

کاش من هم عاشقت بودم علی

همچو شیعه لایق بودم علی

همچو حجر بن عدی جان می شدم

جان به قربان تو جانان می شدم

یا که میثم می شدم بالای دار

ذکر حق می گفتم اندر کارزار

ص: ۱۰۹

حیف من بر شیعه لایق نیستم

واقعا مجنون و عاشق نیستم

لیک دل خوش دارم اندر کوی تو

عاقبت بینم خم ابروی تو

با نگاهی از غم آزادم کنی

گاه رفتن، یا علی یادم کنی

آقای حاج سید عبدالکریم قزوینی نقل کرد که شخص موثقی از یکی از سنی های ثروتمند نقل کردند:

جوانی شیعه پیش من کار می کرد، تقوی و رفتار این جوان ما را جلب کرد. من به عیالم گفتم: خوب است دخترمان را به او بدهیم. عیالم گفت: او شیعه است و ما سنی، مناسبت ندارد. به او پیشنهاد کن اگر حاضر هستی سنی شوی ما دخترمان را به تو می دهیم.

به جوان پیشنهاد کردیم، جوان گفت: مانعی ندارد. به حضور قاضی شهر رفتیم و گفتیم جریان چنین است. اتفاقاً والی شهر نزد قاضی آمده بود. قاضی خواست از این جریان استفاده کند، در حضور والی به جوان گفت:

بگو: من شهادت می دهم به اولویت ابوبکر نسبت به علی برای خلافت. جوان گفت: من شهادت می دهم به اولویت ابوبکر برای خلافت نسبت به علی، اگر خدا راضی باشد. قاضی گفت: جوان! همانطوری که من می گویم بگو و دوباره تکرار کرد: بگو من شهادت می دهم به اولویت ابوبکر. جوان گفت: شهادت می دهم به اولویت ابوبکر، اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله راضی باشد. قاضی گفت:

ص: ۱۱۰

جوان! به تو گفتم تو همانطور که من شهادت می دهم شهادت بده، و برای بار سوم تکرار کرد: بگو شهادت می دهم به اولویت ابوبکر بر علی برای خلافت. جوان گفت: شهادت می دهم به اولویت ابوبکر برای خلافت، اگر حضرت والی راضی باشد. والی گفت: نه، من در این کار مداخله نمی کنم. شخص سنی می گوید: به جوان گفتم: برویم من شیعه می شوم، زیرا اولویت ابوبکر که نه خدا راضی است، نه رسول خدا، و نه حضرت والی به درد نمی خورد. من با جوان به منزل رفتیم. عیالم گفت: خوب، سنی شد؟ گفتم: نه، من هم شیعه شدم و دخترم را به او دادم. (۱) این است شیعه واقعی علی علیه السلام.

رفتار سازی

ماهم اگر قصد داریم در قیامت جزء شیعیان علی علیه السلام و فائزون و ناجی باشیم، باید بینیم اهل بیت از ما چه می خواهند. یکی از چیزهایی که اهل بیت از ما می خواهند، همین هدایتگری ایتام آل محمد می باشد تا جایی که در روایت از امام حسن عسکری آمده که ابا عبدالله الحسین علیهما السلام می فرماید:

«مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيمًا قَطَعْتُهُ عَنَّا مَحَبَّتَنَا حَتَّى أُرْشِدَهُ وَ هَدَاهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيُّهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمُؤَاَسَى لِأَخِيهِ أَنَا أَوْلَى بِالْكَرَمِ مِنْكَ اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنَّةِ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ عِلْمَهُ أَلْفَ أَلْفِ قَصْرٍ وَ ضُمُّوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النَّعِيمِ.» (۲)

ص: ۱۱۱

۱- . روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۲- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص ۴.

کسی که کفالت کند برای ما یتیمی را که محبت ما از او قطع گردیده تا اینکه او را ارشاد و هدایت کند، خداوند عز و جل می گوید: ای بنده کریم ما که خیرخواهی کردی برای برادرت، من به کرامت از تو اولی تر هستم. ملائکه من! برای او در بهشت به عدد هر حرفی که به او یاد داده هزار هزار قصر قرار بدهید و ضمیمه کنید به آن هر آنچه که از نعمت ها ملحق می گردد.

اگر انسان می خواهد مصداق این روایات قرار گیرد، بهترین راهش طلبگی امام زمان علیه السلام است، زیرا طلبگی این بستر را مهیا می کند که بتوانی برادرانت را هدایت کنی، خوشا به حال کسانی که یا خودشان طلبه شدند و یا اسباب طلبه شدن دیگری را فراهم کردند. متأسفانه شنیده می شود که بعضی از فرزندان مایلند طلبه بشوند، ولی والدین جلوی این خیر کثیر را می گیرند. البته خودشان باید فردا جوابگو باشند، و این یک اهمال کاری محسوب می شود. اگر هم نمی توانیم طلبه شویم و به صورت علمی دیگران را راهنمایی کنیم، حداقل نسبت به اطرافیان و خویشاوندان بی تفاوت نباشیم و دست کم به وظیفه خود در امر به معروف و نهی از منکر عمل کنیم.

روضه

از پیامدهای اهمال و سستی ما در هدایت دیگران این است که امام زمان علیه السلام هر عصری تنها می ماند و امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۵ سال خانه نشین می شود، کار به جایی می رسد که برای بیعت گرفتن، او

را به زور به طرف مسجد می برند. حضرت زهرا علیها السلام با اینکه صدمه دیده بود خود را به میان آنان و امام علیه السلام می رساند و می فرماید:

وَاللَّهِ لَا أَدْعُكَ تَجْرُؤَنَ ابْنِ عَمِّي ظُلْمًا؛ به خدا سوگند نمی گذارم پسرعمو و امامم را ظالمان برای بیعت به مسجد ببرید.

اما وقتی عل علیه السلام را از دستان فاطمه علیها السلام جدا کردند و با آن وضع به مسجد بردند، زهراى مرضیه علیها السلام با ضجه فرمودند:

«خَلُّوا عَن ابْنِ عَمِّي فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِن لَّا تُخْلُوا عَنْهُ لَا نُشْرَنَّ شَعْرِي وَلَا ضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى رَأْسِي وَلَا ضَيْرُخَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»؛ به خدایی که پیامبر را مبعوث کرد، اگر علی را رها نکنید، گیسوان پریشان می کنم و پیراهن رسول خدا را بر سر می گذارم و شما را نفرین می کنم.

ناگهان سلمان فارسی با اشاره امام علیه السلام از حضرت خواست نفرین نکند و به منزل برگردد، حضرت خطاب به سلمان فرمودند: «يَرِيدُونَ قَتْلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا عَلِيٌّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَبْرًا»^(۱) می خواهند علی علیه السلام را بکشند و من بر این داغ صبر ندارم.

اما بگو یا زهرا، علی تو را آن زمان کشتند که موقع غسل تو متوجه بازوی ورم کرده تو شد. علی تو آن زمان جان داد که شبانه پیکر تو را غریبانه و مظلومانه داخل قبر گذاشت و فرمود: یا رسول الله! امانتت را برگرداندم.

ص: ۱۱۳

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۷، روضه کافی، ج ۸، ص ۲۳۸.

انگیزه سازی

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله در حالی که جمعی از اصحاب اطرافشان بودند، دو مرتبه فرمودند: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي». خداوندا برادرانم را به من برسان.

فَقَالَ مِنْ حَوْلِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ «أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟»

حضرت فرمودند: نه، شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می آیند و ندیده به من ایمان می آورند. خداوند آن ها را پیش از آنکه از صلب پدران به رحم مادران در آیند با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آن ها در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک،

و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است. آن‌ها مشعل‌های هدایت هستند که خداوند آن‌ها را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات می‌بخشد. (۱)

اقناع اندیشه

در فرهنگ اسلام، آخرالزمان به دوران غیبت و ظهور مهدی موعود علیه السلام گفته می‌شود که از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع شد و تا به حال ادامه دارد. هدف از گفتگو درباره غیبت امام عصر علیه السلام اولاً و بالذات کشف چرایی غیبت آن وجود مبارک نیست، بلکه آن است که مؤمن منتظر وظیفه خویش را در زمان این غیبت بشناسد و بفهمد که آیا به وظیفه خویش عمل می‌کند یا نه. (۲)

شاید برای بعضی این سؤال مطرح باشد: آیا در آخرالزمان وظیفه‌ای متوجه ما شیعیان هست؟ مگر ما نباید منتظر باشیم تا منجی عالم بشریت تشریف بیاورند و ظلم و ستم را از بین برده، عدالت را در جهان به وجود آورند؟

اگر اینطور باشد پس با قوم بنی اسرائیل چه فرقی می‌کنیم؟ آن‌ها هم در جواب حضرت موسی علیه السلام گفتند: «أنا لن ندخلها أبدا ما داموا فيها فاذهب انت و ربك فقاتلا أنا هاهنا قاعدون». (۳) و بعد دچار نفرین پیامبر خدا شدند: «قال رب أنى لا املكك النفسى

ص: ۱۱۶

۱- بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۵۲، ص ۱۲۴ و فرهنگ الفبایی مهدویت یا موعود نامه، مجتبی تونه‌ای، ص ۳۵ و ۳۶.

۲- امام مهدی موجود موعود، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۲۸.

۳- مائده/۲۴.

و اخى فافرق بيننا و بين القوم الفاسقين.»(۱)

مردم باید خود به اصلاح جامعه پردازند، نه آنکه تنها از خداوند و رهبران دینی توقع اصلاح داشته باشند و آرزوی پیروزی بدون کوشش، خردمندانه نیست. «فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»(۲)

در روایات می خوانیم: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ» بهترین عمل، انتظار آمدن حضرت مهدی علیه السلام است. بر اساس این حدیث، انتظار، حالت نیست، بلکه عمل است: «افضل الاعمال». بنابراین، منتظران واقعی باید اهل عمل باشند. منتظران مصلح باید خود صالح باشند، کسی که منتظر مهمان است در خانه آرام نمی نشیند.(۳)

معنای انتظار با احتضار فرق می کند. معنای انتظار این نیست که امام زمان بیاید و درست بکند، شما شب منتظر خورشید هستی، اما در تاریکی نمی نشینی؛ تلاش می کنی، چراغی روشن می کنی، البته منتظر خورشید هم هستی.(۴) حضرت هم از ما انتظار دارند که برای زمینه سازی ظهورشان کاری بکنیم و خدا نکند این دست روی دست گذاشتن روی غفلت و مشغولیت، حمل بر عدم تشنگی برای ظهور آن حضرت شود.

پرورش احساس

حاج محمد علی فشندی که از موثقین نزد علمای قم در زمان

ص: ۱۱۷

۱- . مائده/۲۵.

۲- . تفسیر نور، ج ۶، ص ۶۳.

۳- . تمثیلات، ص ۴۸.

۴- . برنامه درسهایی از قرآن آقای قرائتی سال ۷۱.

خودش بوده، می گوید: خیلی دوست داشتم حضرت مهدی علیه السلام را زیارت کنم. خیلی توسل کردم. آخرین توسل این بود که چهل جمعه به زائران مسجد جمکران آب بدهم، شاید ایشان توفیق زیارتشان را نصیب حقیر کنند. نزدیک چهلمین جمعه بود، مثل همیشه به زائران حضرت آب تعارف می کردم. مشک آبم داشت خالی می شد. خواستم از مسجد خارج بشوم، دیدم سید جلیل القدری وارد مسجد شد. گفتم: بگذار یک لیوان آب هم به آقا سید تعارف کنم. گفتم: آقا سید آب میل دارید؟ ایشان تشکر کرد. لیوان آب را که دستشان دادم، نگاهی به آب کردند و فرمودند: اگر شیعیان ما به اندازه همین یک لیوان آب تشنه ما بودند، ما ظهور می کردیم.

حاج محمد علی می گوید: آن لحظه نفهمیدم منظور آقا سید چیست. وقتی از او جدا شدم، تازه فهمیدم او کسی غیر از مولایم نمی تواند باشد. برگشتم و هرچه گشتم آقا سید را ندیدم. (۱)

غصه دارد که حضرت فرموده باشند تأخیر ظهورشان به خاطر عدم تشنگی ماست، اما ایشان حق دارند، چرا که اعمال ما را صبح و عصر محضر ایشان عرضه می کنند و ایشان در اعمال ما همه چیز می بینند جز تلاش برای زمینه سازی ظهورشان!

موسی بن سیار از یاران

امام رضا علیه السلام می گوید: با امام رضا علیه السلام وارد شهر حیطان در حوالی طوس شدیم. در این حال شنیدم منادی ندا می داد. وقتی خوب نگاه کردم، دیدم دارند جنازه ای را تشییع می کنند، در این هنگام آقای من، امام رضا علیه السلام، جلو رفتند و زیر

ص: ۱۱۸

جنازه را گرفتند و بلند کردند و مانند مادری که بچه اش را در بر بگیرد با محبت آن را تشییع کردند و رو به من فرمودند: «یا مُوسَى بْنِ سَيَّارٍ مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةَ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَانِنَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ لَا ذَنْبَ عَلَيْهِ.»

تشییع جنازه ادامه یافت تا میت را در کنار قبر گذاشتند، در این هنگام حضرت جلو رفتند و مردم راه را باز کردند تا حضرت در کنار جنازه قرار گرفتند. سپس حضرت دست خود را بر روی سینه میت گذاشتند و فرمودند: «یا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ أَبْشِرْ بِالْجَنَّةِ فَلَا خَوْفَ عَلَيْكَ بَعْدَ هَذِهِ السَّاعَةِ.»

موسی بن سیار می گوید: من که از شنیدن این کلام حضرت متعجب شده بودم، با تعجب پرسیدم: فدای شما شوم! شما این مرد را می شناسید؟ قسم به خدا اینجا مکانی است که شما تا به امروز پا به آن نگذاشته اید!

پس حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«یا مُوسَى بْنِ سَيَّارٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَا مَعَاشِرَ الْأَئِمَّةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِيعَتِنَا صَبَاحاً وَ مَسَاءً فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ.» (۱)

ای موسی ابن سیار آیا نمی دانی اعمال شیعیانمان صبح و عصر بر ما ما اهل بیت عرضه می شود؟ اگر تقصیر و معصیتی در اعمالشان باشد از خدا می خواهیم صاحبش را ببخشد و اگر کار نیکی در آن

ص: ۱۱۹

۱- . مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۴۱ و بحار الأنوار، بیروت، چاپ دوم، ج ۴۹، ص ۹۸.

باشد از خدا برای صاحبش طلب پاداش می کنیم.

یعنی حضرت اعمال ما را صبح و عصر می بینند. ای کاش به خوبی به تکلیفمان عمل کرده باشیم و موجب خوشحالی حضرت شویم.

رفتار سازی

حال سوال اینجاست که تکلیفمان چیست؟

مقام معظم رهبری می فرمایند: امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده اقدام فرماید. از صفر که نمی شود شروع کرد! جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و آلا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولوالعزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی ها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود.

چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان خودش؛ در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی؛ با آن علم متصل به معدن الهی؛ با آن نیروی اراده، با آن زیبایی ها و درخشندگی هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! (قُتِلَ فِي مَحْرَابِ عِبَادَتِهِ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ). تاوان عدالت امیرالمؤمنین جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد

ص: ۱۲۰

کرده بودند! زمینه را زمینه دنیا طلبی کرده بودند. آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آرای کردند، کسانی بودند که زمینه های دینشان زمینه های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، اینطور فاجعه به بار می آورد!

آن وقت اگر امام زمان علیه السلام در یک دنیای بدون آمدگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. (۱)

حالا که چنین است، مهمترین کاری که باید برای زمینه سازی ظهور مولایمان انجام دهیم چیست؟

بیا بید از تاریخ کربلا- درس بگیریم، اگر مردم کوفه نسبت به فرامین مسلم بن عقیل خوب اطاعت می کردند، زمینه حضور حسین فاطمه علیه السلام فراهم می شد. کسی که نسبت به نائب امام زمانش وظیفه شناس است، قطعا زمینه ساز خوبی برای ظهور مهدی فاطمه است.

یکی از دوستان شهید صیاد شیرازی، امیرسرتیپ ناصر آراسته نقل می کنند که: یک روز که به دیدار آیت الله بهاء الدینی می رفتیم، شهید صیاد سفارش کرد به ایشان بگویید صیاد سلام رسانده و گفته دلم برایتان خیلی تنگ شده است. این را که به آقا گفتم، از بالای عینک نگاهی به من انداختند و گفتند: شما آقای صیاد را می شناسی؟ گفتم: نه آنطور که شما می شناسید. این سوال را سه بار تکرار کردند. گفتم:

ص: ۱۲۱

۱- .بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

نه. بعد ایشان سه بار گفتند «صیاد یک پارچه نور است» سلام مرا به او برسانید.

ایشان نقل می کنند: یک روز که در معیت صیاد با امام خامنه ای دیدار داشتیم، دفترچه را در آورد و شروع کرد به نوشتن صحبت های آقا. بعد از جلسه از او پرسیدم: چرا اینقدر مقیدی که صحبت های آقا را بنویسی؟ تلویزیون در اخبار ساعت ۱۴ و ۲۱ اعلام می کند، روزنامه ها هم می نویسند. به من گفت: تو حقوق دانی؟ گفتم: بله. گفت عدم اجرای دستور فرمانده جرم است یا نه؟ گفتم: بله، اما ربطی به سؤال من ندارد. گفت: تأخیر در اجرای فرمان رهبر جرم است یا نه؟ گفتم: بله، اما باز هم ربطی به سؤال من ندارد. گفت: دارد؛ من فرمایشات آقا را سخنرانی تلقی نمی کنم، بلکه تدبیر فرمانده به سربازش می دانم و چون نمی دانم تا رسیدن به ستاد کل عمرم باقیست یا نه! اگر بمیرم برای تأخیرم در اطاعت امر فرماندهم جوابی ندارم، لذا می نویسم تا در ماشین تدابیر را به فرامین تبدیل کنم که اگر عمرم سر آمد آن دنیا پاسخی داشته باشم. (۱)

روضه

اما اهل کوفه نه تنها از مسلم اطاعت نکردند، بلکه از بالای بام سنگ می زدند، تیر می زدند. بدن زخمی شده حضرت را به طرف دارالاماره بردند. تشنه است، اما تا سه مرتبه هر چه خواست آب بنوشد، آب خون آلود شد. گفت: گویا مقدر آن است که من تشنه

ص: ۱۲۲

۱- . بیان خاطره از امیرسرتیپ ناصر آراسته، جانشین گروه مشاوران نظامی رهبر معظم انقلاب.

باشم. دیدند آقا گریه می کند. چرا می گریی؟ فرمود: برای خودم گریه نمی کنم، بلکه برای عزیز زهرا، حسین علیه السلام، گریه می کنم که همراه با خانواده اش به سوی شما مردم پیمان شکن می آید. مردم منتظرند ببینند چه خواهد شد؟ ناگهان دیدند سر بریده ای از بالای دارالاماره به زمین افتاد و بعد از آن هم بدن بی سر غرق به خونی. وقتی خبر به اردوگاه ابی عبدالله رسید ناله هاشمیان و فاطمیان بلند شد. اشک از چشمان حسین علیه السلام جاری شد، اما به خانواده مسلم تسلی دادند. یا اباعبدالله کسی نبود به زینت، به سکینه ات تسلی بدهد، آن وقتی که بدن پاره پاره ات در گودی قتلگاه بر زمین افتاده بود. آخ بمیرم! راوی می گوید: دیدم فَاجْتَمَعَتْ عَدُوٌّ مِنَ الْأَعْرَابِ حَتَّى جُرُّهَا عَنْهُ، عده ای از اعراب آمدند و سکینه را کشان کشان از بدن پدر جدا کردند. (۱) همه صدا بزینت: یا حسین!

ص: ۱۲۳

۱- . سوگنامه آل محمد علیهم السلام، روضه عصر عاشورا.

انگیزه سازی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ - قَالَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ أَوْ يَحْشُرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَ يَدْعُ الْبَاقِينَ - إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ «وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر خود از «حماد بن عثمان» نقل می کند: حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردم درباره این آیه: «روزی که از هر جمعی دسته ای را محشور کنیم (نمل / ۳۸)» چه می گویند؟

ص: ۱۲۵

عرض کردم: می گویند: مربوط به قیامت است، فرمود: چنین نیست، درباره رجعت است؛ مگر در قیامت خدا از هر جمعی دسته ای را محشور می کند و دیگران را وامی گذارد؟!

آیه قیامت این است: همه رامحشور کنیم، و احدی از آنان را وانگذاریم. (۱)

اقناع اندیشه

رجعت در لغت به معنای بازگشت به دنیا پس از انتقال به جهان دیگر است و در اصطلاح به این مفهوم است که امامان خاندان وحی و رسالت علیهم السلام و انبوهی از کسانی که جهان را بدرود گفته اند، بار دیگر پس از حضرت مهدی علیه السلام و پیش از شهادت او به خواست خداوند و اراده حکیمانه او به این جهان باز می گردند. رجعت از عقائد مسلم شیعه است و آیات و روایات در این باره بیش از حد شهرت و تواتر است. (۲)

در بسیاری از ادعیه و زیارات معتبر نیز به مسئله رجعت تصریح شده است؛ مثلاً در زیارت جامعه می فرماید:

«مَعْتَرَفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بآيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِمَرْكَمٍ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ.»

به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم و رجعت شما را تصدیق می کنم، امر شما را انتظار می کشم و دولت شما را چشم به

ص: ۱۲۶

۱- . تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴.

۲- . موعودنامه، مجتبی تونه ای، ص ۳۴۹. مؤسسه انتشارات میراث ماندگار، چاپ ۱۵، ۱۳۸۹.

و یا در زیارت آل یاسین عرضه می داریم:

«وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا رَيْبَ فِيهَا.» (۲)

همچنین در دعای عهد اینگونه آمده:

«اللهم ان حال بینی و بینة الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقضیا فاخرجنی من قبری.» (۳)

خدایا اگر مرگی که بر همه بندگانت مسلّم کرده ای، میان من و ظهور مولایم جدایی بیندازد، مرا از قبر بیرون بیاور.

در قرآن موارد مختلفی از زنده شدن مردگان در امت های پیشین ذکر شده است؛ به عنوان مثال:

پیامبری از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن فرو ریخته بود و اجساد و استخوان های اهل آن در هر سو پراکنده شده بود. از خود پرسید: چگونه خداوند این ها را پس از مرگ زنده می کند؟ خدا او را یکصد سال میراند و سپس زنده کرد و به او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد: یک روز یا قسمتی از آن، فرمود: نه. بلکه یکصد سال بر تو گذشت. (آیه ۲۵۹ سوره بقره).

یا در سوره بقره در آیه ۷۳، در مورد کشته ای که بنی اسرائیل در مورد پیدا کردن قاتلش دچار نزاع و جدال شده بود، می گوید: دستور داده شد گاوی را با ویژگی هایی سر ببرند و بخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات بازگردد (و قاتل خود را معرفی کند و

ص: ۱۲۷

۱- [۴]. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.

۲- . بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۲ و ۹۴.

۳- . بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

«فَقُلْنَا ضَرِبُوهُ بَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.» (بقره/۷۳)

یا زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام:

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

«أَخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ؛ یکی از معجزات من این است که اموات را به اذن پروردگار زنده می کنم. (آل عمران/۴۹)

برگشتن مردگان در آخرالزمان فلسفه حکیمانه ای دارد. در آخرالزمان حکومتی به وجود می آید که در آن ظلمی نخواهد بود و عدل مطلق است. مؤمنین خالصی به دنیا برمی گردند که استعداد کمالات در آن ها بسیار بالا بوده، ولی به خاطر ظلم زمانشان کسی آن ها را تربیت نکرد و استعدادشان شکوفا نشد. به همین دلیل این استعدادها بالقوه باقی ماند. برای اینکه ظلمی به این مؤمنین نشود، آن ها برمی گردند و استعدادهایشان به فعلیت می رسد و تکمیل می شود. (۱)

از جمله بارزترین مؤمنین، خود ائمه هستند که برمی گردند. هر کدام از ائمه صلاحیت این را داشتند که دنیا را مدیریت کنند، ولی این اتفاق در زمان آن ها نیفتاد. در زمان آن ها به خاطر ضعف مردم و ظلم حاکمان، استعداد مدیریت جهانی به فعلیت نرسید و این عبادت را انجام ندادند. همه مردم را به سمت خدا بردن عبادت بزرگی است. پس ائمه بعد از ولی عصر برمی گردند که این مدیریت را داشته باشند و آن عبادت خدا را انجام بدهند. از

ص: ۱۲۸

طرفی سران کفار هم بر می گردند تا ذلت و عذابی بینند و انتقامی از آن ها گرفته بشود. باید در دنیا این انتقام از آن ها گرفته بشود. این در راستای عدل است.

«ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد.» (قصص/۸۵)

آن کسی که قرآن را بر تو فرو فرستاد، به یقین تو را به وعده گاهت باز می گرداند.

امام سجاد علیه السلام در تأویل این آیه فرمود: پیامبر شما و امیر مؤمنان و امامان اهل بیت در عصر ظهور به دنیا باز می گردند. (۱)

اگر عقیده به رجعت نباشد، ممکن است بعضی از افراد دچار ناامیدی و سرخوردگی بشوند. مثلاً بگویند که فرض کنیم من خوب باشم و آمادگی فردی برای ظهور داشته باشم، ظهور امام نیاز به آمادگی اجتماعی دارد و آن دست من نیست. از این رو، ممکن است امید و در نتیجه، پاکی خودش را از دست بدهد، اما اگر کسی عقیده به رجعت داشته باشد، می گوید به فرض که اجتماع آمادگی ظهور را نداشته باشد، همین که من آماده باشم در هنگام ظهور هستم، حتی اگر ظهور در زمان من نبود، من می توانم در زمان ظهور باشم. اگر خوب باشم، می توانم در زمان رجعت جزو افراد آن زمان باشم.

پرورش احساس

مشرك محض نیز بر می گردد تا سزای حق کشی ها و

ص: ۱۲۹

تجاوزگری های خود را پیش از آخرت و در همین دنیا بچشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: نخستین کسی که درباره او محکمه عدل در حکومت حقه تشکیل می شود، محسن فاطمه علیه السلام است. بین او و قاتلش محکمه برگزار می شود. قنفذ و آقایش آورده می شوند و با تازیانه هایی از آتش شلاق می خورند. شلاق هایی که اگر یکی از آن ها به یکی از کوه های دنیا بخورد، ذوب می شود و تبدیل به خاکستر می گردد. (۱)

در اخبار رجعت امام حسین علیه السلام تصریح شده که به هنگام رجعت حضرت، یزید و سپاهیانش نیز رجعت می کنند و امام حسین علیه السلام آن ها را می کشد و برای هر ضربتی یک ضربت می زند. (۲) جمعی از رجعت کنندگان، سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله، ابودجاجه، مالک اشتر، مفضل بن عمرو، حران بن اعین، مومن ال فرعون، یوشع بن نون و اصحاب کهف هستند. (۳)

رجعت در مورد مؤمنین اختیاری است. امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که حضرت ولی عصر ارواحناله الفداء قیام کند، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آن ها می گویند: ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر بخواهی به او پیوندی آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمت های الهی متنعم بمانی، باز هم آزاد هستی. (۴)

ص: ۱۳۰

- ۱- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹.
- ۲- . تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹.
- ۳- . رجعت، محمد خامی، ص ۲۰۰.
- ۴- . موعود نامه، مجتبی تونه ای، ص ۳۵۰.

دعا کنیم ما هم جزء اصحاب رجعت باشیم. یکی از دعاهاى ما در محضر خدا در این شب های پر برکت این باشد که ما جزء اصحاب رجعت باشیم.

رفتار سازی

چه کنیم که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام جزء اصحاب رجعت باشیم؟

امام صادق علیه السلام در روایتی زیبا ویژگی های رجعت کنندگان را این چنین بیان می کنند:

«أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَيَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسِيئُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحَضًا.» (۱)

نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده، به دنیا برمی گردد، حسین بن علی علیه السلام است. و این رجعت عمومی نیست (که تمام مردگان زنده شده سر از قبر در آورند)، بلکه افراد خاصی به دنیا برمی گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند.

در رجعت، مؤمن خالص که در تمام عمر از طرف کفار و منافقین مورد آزار قرار گرفته است، برمی گردد تا در پرتو حکومت حقه، روی آرامش و آسایش را ببیند و قسمتی از پاداش اعمال نیک خود را پیش از آخرت در این جهان ببیند.

اهل البیت علیهم السلام یک راه میانبر هم به ما معرفی کرده اند تا شیعیان بتوانند خود را به این مقام برسانند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: ۱۳۱

«مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ هُوَ هَذَا: اللَّهُمَّ رَبِّ نُورِ الْعَظِيمِ.»^(۱)

هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه به او کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند.^(۲)

یکی از چیزهایی که امام در روزهای آخر به اطرافیانشان توصیه می کردند، خواندن دعای عهد بود. ایشان می گفتند: صبح ها سعی کن این دعا را بخوانی؛ چون در سرنوشت دخالت دارد.

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه حتی در موقعی که در بیمارستان بستری بودند، از انس با کتاب مفاتیح الجنان غافل نبودند. پس از رحلت جانگداز ایشان که مفاتیح شان را از بیمارستان به بیت منتقل می کردیم، متوجه شدیم امام در مفاتیح خود در کنار دعای شریف عهد که آن را یک اربعین می خواندند، تاریخ شروع را هشت شوال نوشته اند. حتی امام آنقدر دعای عهد خوانده بودند که آن قسمت از مفاتیح ایشان فرسوده شده بود.^(۳)

ص: ۱۳۲

۱- . مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۳.

۲- . مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۳- . برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۴۲.

خواندن دعای عهد یکی از راه های بیعت با امام زمان است و یکی دیگر از اموری که ما به وسیله آن می توانیم به امام زمان مدد برسانیم، گریه برسیدالشهداست. خود حضرت هر صبح و شام برای جد غریبان گریه می کنند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَكَتْ فِي مُصَابِهِ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى» (۱)

«السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بَلَا أَكْفَانِ السَّلَامُ عَلَى الرَّءُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ» (۲)

ای کاش فقط همین بود، یا صاحب الزمان!

بر جسم پاره پاره فرس تاختن چرا؟

در آفتاب، نعش وی انداختن چرا؟

بعد از هزار و نهصد و پنجه جراحتش

بگذاشتنش به خاک، تنش بی کفن، چرا؟

یا حسین...

ص: ۱۳۳

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص ۲۳۶.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص ۳۱۹.

انگیزه سازی

امشب شب آخر ماه مبارک است، محمد بن عجلان می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: وقتی ماه رمضان می شد، علی بن الحسین علیه السلام هیچ غلام و کنیزی را مؤاخذه نمی کرد، و اگر عمل خلافی انجام می دادند، آن را می نوشت. وقتی شب آخر ماه رمضان می رسید، همه را صدا می زد و نوشته ای را بیرون می آورد و خلافتکاری های آن ها را می خواند و از همه اقرار می گرفت. سپس می فرمود که همه بلند بگویند: ای علی بن الحسین! همان طور که تو اعمال ما را شمردی، پروردگارت هم آنچه تو انجام داده ای به حساب آورده و نوشته ای دارد که به حق، علیه تو سخن می گوید. هیچ عمل کوچک و بزرگی را از آنچه به جا آورده ای، فروگذار نکرده

ص: ۱۳۵

و به حساب می آورد. پس، از ما بگذر و عفو نما؛ چنانکه دوست داری او از تو درگذرد. ای علی بن الحسین! ذلت خود را در برابر پروردگار حاکم عادل به یاد آور که به اندازه خردلی ظلم نخواهد کرد و هر عملی را به جا خواهد آورد. از ما درگذر و عفو نما تا خداوند هم از تو بگذرد!

در این هنگام، گریه ها شروع می شد و مناجات با خدا به میان می آمد، تا آنکه حضرت آن ها را می بوسید و می فرمود: از شما درگذشتم. آیا شما هم از من درگذشتید؟ آیا از من راضی شدید؟ همه می گفتند: ای آقای ما! ما از تو درگذشتیم! تو به ما بدی نکردی! آن گاه حضرت می فرمود که همه بگویند: «اللهم اعف عن علی بن الحسین کما عفا فاعتقه من النار کما اعتق رقابنا من الرق»؛ خدایا علی بن الحسین را عفو نما، همان طور که او ما را عفو کرد. او را از آتش آزاد کن، چنانکه او ما را از بردگی آزاد کرد و خود حضرت می فرمود: «اللهم آمین رب العالمین» و همه را آزاد می نمود. (۱)

اقناع اندیشه

سیره اهل بیت علیهم السلام و علما بوده است که در مثل این شب، زکات فطره خود و خانواده خود را کنار می گذاشتند. در چنین روزی، مؤمنین باید روزه خود را تمام کنند و به وسیله پرداخت زکات فطره یا همان فطریه، روزه های خویش را به پایان رسانند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان من تمام الصوم اعطاء الزکوة یعنی الفطره.» (۲) به درستی که

ص: ۱۳۶

۱- بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۸.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، باب الفطره، ص ۱۷۵.

پرداخت زکات؛ یعنی فطریه، از تمام روزه است. پرداخت نکردن زکات فطره، ناقص شدن روزه ها را به دنبال دارد. از این رو، مؤمنین در این روز با پرداخت فطریه روزه های خویش را تمام می کنند.

علاوه بر این، عدم پرداخت زکات فطره باعث مرگ ناگهانی می شود. امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمود: «برو فطریه عیال و مملوک ما را خارج کن و احدی را باقی نگذار، زیرا اگر فطره کسی را واگذاری من از فوت او می ترسم.» اسحاق می گوید: گفتم: فوت چیست؟ فرمود: «مرگ» (۱).

زکات فطره واجب مؤکد است و شرط قبولی روزه ماه مبارک رمضان و سبب حفظ تا سال دیگر. از این جهت، مؤمنین قبل از نماز عید، فطریه خود را پرداخت یا لااقل آن را از اموال خویش جدا می سازند.

در قرآن کریم، واژه زکات در ۳۲ آیه ذکر شده است. آنچه در این میان قابل دقت و توجه می باشد این است که در ۲۷ آیه از ۳۲ آیه یاد شده، واژه «زکات» در کنار واژه «صلاه» ذکر شده است.

پرورش احساس

طبق برخی روایات، خداوند در ماه رمضان، در موقع افطار، هفتاد میلیون نفر را که همگی سزاوار آتش شده اند، از آتش آزاد می کند و به اندازه تمام افرادی که در ماه رمضان آزاد نموده، در شب آخر آن آزاد می کند. (۲) و طبق برخی دیگر، خداوند در شب

ص: ۱۳۷

۱- إقبال الأعمال، ص ۲۷۴: الباب السادس و الثلاثون فیما نذکره.

۲- . کَانَ یَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ أَلْفٍ عَمِيْقٍ مِنَ النَّارِ كُلُّ قَدِ اسْتَوْجِبُوا [اسْتَوْجِبَ] النَّارَ فَإِذَا كَانَ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَعْتَقَ فِيهَا مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِي جَمِيعِهِ. إقبال الأعمال (ط - القديمه)، ج ۱، ص ۲۶۱.

اول ماه رمضان هر کدام از مخلوقات خود را که بخواهد، می بخشد؛ در شب بعد این عده را دو برابر می کند؛ و در شب بعد دو برابر تعداد تمام افراد شب های قبل را از آتش آزاد می کند؛ (و به همین ترتیب) تا شب آخر ماه رمضان که در این شب، تعداد تمام کسانی را که در این ماه آزاد کرده است، دو برابر می کند. (۱)

۳۰ روز گرسنگی و تشنگی جسم و روح را در گرمای تابستان تحمل کردیم، اگر به عشق خدا نبود لااقل برای خودمان این سختی ها را تحمل کردیم! و در این ماه مبارک برکات عظیمی نصیب ما شد.

اکنون، این ماه با ما وداع کرد و رفت؛ وداع و رفتنی که شرحش را فقط باید از زبان مبارک ائمه هدی علیهم السلام و نماینده آن ها، امام سجاد علیه السلام، به سوزناکترین حالت شنید، حضرت حدود ۱۹ بار به این ماه مبارک سلام می فرستند:

«السلام عليك من قرين جل قدره موجودا و افجع ففده مفقودا.» سلام بر تو ای نزدیکی که وقتی بودی گرمی بودی و حال که در آستانه رفتن هستی، رفتنت فاجعه است.

«فنحن مودعوه وداع من عز فراقه علينا وغمنا و إوحشنا

ص: ۱۳۸

۱- . قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ شَاءَ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَتْهُمْ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَتْ كُلُّ مَا أَعْتَقَ حَتَّى آخِرِ لَيْلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تُضَاعَفُ مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. إقبال الأعمال (ط - القديمه)، ج ۱، ص ۳.

انصرافه عنا.» ما با این ماه خداحافظی می کنیم، خداحافظی کسی که جدایی اش برای ما سخت است و این جدایی ما را اندوهگین می کند و با رفتنش تنها می شویم. (۱)

از سخنان معصومین علیهم السلام چنین استفاده می شود که روز عید فطر، روز گرفتن مزد است، به همین دلیل، مستحب است انسان در این روز زیاد دعا کند و به یاد خدا باشد و روزش را به بطالت و تنبلی نگذراند و خیر دنیا و آخرت را بطلبد.

در آخر ماه مبارک رمضان عید فطر می گیرند، چون جایزه و مزد یک ماه را به ما می دهند؛

روز عید است و من مانده در این تدبیرم

که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم

رفتار سازی

یک بشارت و یک هشدار!

اول، بشارت؛ در روایت است از امام باقر علیه السلام که: «عباد الله! ان ادنی ما للصائمين والصائمات ان ینادیهن ملک فی آخر یوم من شهر رمضان»؛ ای بندگان خدا! کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه دار داده می شود، این است که فرشته ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می دهد:

«إبشروا عباد الله فقد غفر لكم ما سلف من ذنوبکم»؛ هان! بشارتتان باد ای بندگان خدا! که گناهان گذشته تان آمرزیده شد!

ص: ۱۳۹

و اما هشدار و انذار: در ادامه روایت بالا آمده است: «فانظروا كيف تكونون فيما تستانفون»؛ پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید؟ «و لزمنا له الذمام المحفوظ و الحرمة المرعية و الحق المقضى»؛ ما باید حقی که او به عهده ما دارد رعایت کنیم و حرمتی که نزد ما دارد ارج بنهیم و به تعهدی که بین ما و اوست وفا کنیم. (۱)

چگونه می توان دستاوردهای این ماه را حفظ کرد؟

به اندازه فرصت جلسه به دو راهکار اشاره می کنیم:

۱. سه روز از هر ماه را روزه گرفتن که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و ثواب روزه سال برای کسی که بر آن مداومت داشته باشد، نوشته خواهد شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ صَامَ كَذَلِكَ فَكَأَنَّمَا صَامَ الْعَامَ كُلَّهُ، وَبِذَلِكَ تَذْهَبُ عَنْ صَدْرِهِ الْوَسْوَاسُ الشَّيْطَانِيُّ». سَأَلَ الرَّاوي: فَمَا هِيَ تِلْكَ الْأَيَّامُ؟

فَقَالَ: «أَوَّلُ خَمِيسٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَ أَوَّلُ أَرْبَعَاءٍ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَّاسِطِ وَ آخِرُ خَمِيسٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ». (۲)

این کار کمک می کند حال و هوای روزه ماه رمضان و تمرین تقوایی آن در طول سال امتداد پیدا کند، ضمن این که سه روز روزه در ماه برای کسانی که حفظ دستاوردهای ماه رمضان برایشان مهم است، کار خیلی سختی نیست.

ص: ۱۴۰

۱- میزان الحکمه، ج ۷، صص ۱۳۱ - ۱۳۲.

۲- زاد المعاد- مفتاح الجنان، مجلسی، ص ۲۸۶.

۲ محاسبه روزانه اعمال: اگر کسی بخواهد بارش برای قیامت سنگین نشود و افسار نفسش از دستش بیرون نرود، لازم است اعمال خود را به صورت روزانه مورد محاسبه قرار دهد و چنانچه از او کوتاهی و غفلت و خدای نکرده معصیتی سر زده است، استغفار نماید. این کار آنقدر اهمیت دارد که حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ.» (۱)

این کار باعث می شود قبل از آنکه گناهی زمینه ساز گناهان بزرگتر شود، فرد از آن استغفار کند، چرا که گفته اند: اندک اندک خیلی و قطره قطره سیلی می شود و قیامت را از بین می برد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با اصحابشان در زمینی خالی از گیاه فرود آمدند و به اصحاب خود فرمودند: هیزم بیاورید. گفتند: آقا اینجا چیزی نیست، فرمودند: بگردید. رفتند و چیزهایی جمع کردند، روی هم ریختند و مقدار قابل توجهی هیزم شد. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ طَالِبًا أَلَا وَإِنَّ طَالِبَهَا يَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ.» (۲) (۳)

اینگونه گناهان جمع می شود (و آتشی باور نکردنی برای قیامت

ص: ۱۴۱

۱- زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟، ترجمه الزهد، کوفی اهوازی، ترجمه عبدالله صالحی، ص ۱۶۶.

۲- اشاره إلى قوله سبحانه في سورة يس آية ۱۲: « وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا... الخ.»

۳- الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۸۸.

می سازد) سپس حضرت فرمودند: از گناهان کوچک شمرده شده پرهیزید، زیرا که هر چیزی طالبی دارد؛ بدانید طالب و جوینده گناهان، آنچه را مردم پیش فرستادند و نیز آثار آینده آن را می نویسد.

اگر کسی این محاسبه را هر شب قبل از خواب انجام دهد و گناهان روزش را تصفیه کند و برای روز بعدش تصمیمات جدی مبنی بر ترک آن گناه را بگیرد، در این صورت می تواند مقام های معنوی خود را حفظ کند.

بعد از استغفار، اگر می خواهیم از پاک شدن گناهان روزمان اطمینان حاصل کنیم، به راهکاری که امام رضا علیه السلام ارائه فرموده اند، عمل کنیم:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَتْ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَتْ أَوْ كَثِيرًا.» (۱)

ای پسر شیب! اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی؛ به گونه ای که اشک چشמהایت بر گونه هایت جاری شود، خداوند همه گناهانی را که مرتکب شده ای، کوچک یا بزرگ و کم یا زیاد، می آمرزد.

روضه گوش کن یا خودت برای خودت روضه بخوان یا فقط روضه هایی را که یک عمر شنیده ای، به خاطر بیاور و ولو به اندازه بال مگسی اشک بریز، خیلی سریع احساس طهارت و پاکی می کنی. در این هنگام یک سلام به ارباب بی کفن بده و بگو السلام علیک یا ابا عبد الله!

ص: ۱۴۲

فهرست تفصیلی

تصویر

□

ص: ۱۴۳

تصوير

□

ص: ١٤٤

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

